



امام محمدباقر علیه السلام

الباقر، امام محمد بن علی علیه السلام، ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام، امام پنجم از ائمه اثنا عشر و یکی از چهارده معصوم می باشد.

فهرست مندرجات

- ۱ - کنیه امام باقر (علیه السلام)
- ۲ - القب امام باقر (علیه السلام)
- ۳ - نسب امام باقر (علیه السلام)
- ۴ - مادر امام باقر (علیه السلام)
 - ۴.۱ - فضایل مادر حضرت
 - ۴.۲ - اقوال درباره نام مادر حضرت
 - ۴.۲.۱ - سبط ابن جوزی
 - ۴.۲.۲ - اربلی
- ۵ - تولد امام باقر (علیه السلام)
- ۶ - شهادت امام باقر (علیه السلام)
 - ۶.۱ - ماه و روز شهادت
 - ۶.۲ - محل شهادت
- ۷ - سوانح حیات امام باقر (علیه السلام)
 - ۷.۱ - ائمه زمان حضرت
 - ۷.۲ - خلفای زمان حضرت
 - ۷.۳ - فعالیت های فرهنگی
 - ۷.۴ - احضار شدن به شام
- ۸ - فرزندان امام باقر (علیه السلام)
- ۹ - شمایل امام باقر (علیه السلام)
- ۱۰ - سیره امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۰.۱ - میزان بهر ممتدی از دنیا
 - ۱۰.۲ - کشاورزی
 - ۱۰.۳ - هزینه زندگی
 - ۱۰.۴ - مردنجاری
 - ۱۰.۵ - زهد
 - ۱۰.۶ - بیان حقایق عرفانی
 - ۱۰.۷ - ذکر
 - ۱۰.۸ - مواجهه با مصائب
 - ۱۰.۹ - فروتنی
 - ۱۰.۱۰ - عبادت
- ۱۱ - مقام علمی امام باقر (علیه السلام)
 - ۱۱.۱ - وجه تسمیه به باقر
 - ۱۱.۱.۱ - روایت پیامبر
 - ۱۱.۱.۲ - نظر ابن عماد
 - ۱۱.۱.۳ - نظر ابن خلکان
 - ۱۱.۱.۴ - نظر ابن منظور
 - ۱۱.۱.۵ - نظر زبیدی
 - ۱۱.۲ - فقه و حدیث حضرت
 - ۱۱.۲.۱ - نظر نسایی
 - ۱۱.۲.۲ - نظر ذهبی
 - ۱۱.۲.۳ - نظر شیخ مفید
 - ۱۱.۲.۴ - نظر عبدالله مکی
- ۱۲ - روایین امام باقر (علیه السلام)
- ۱۳ - یاران خاص امام باقر (علیه السلام)

- ۱۲ - احادیث امام باقر (علیه السلام)
- ۱۴.۱ - کتب اهل سنت
- ۱۴.۱.۱ - علل کم بودن احادیث
- ۱۴.۱.۲ - نوع روایت نقل شده
- ۱۴.۱.۳ - نقل امام از افراد
- ۱۴.۲ - موضوعات احادیث امام
- ۱۴.۳ - تفسیر منسوب به امام
- ۱۵ - اهداف حلقه‌های درسی امام باقر (علیه السلام)
- ۱۵.۱ - عرضه دیدگاه‌های اسلامی
- ۱۵.۲ - روش‌گری درباره انحرافات
- ۱۵.۳ - گشایش ابواب علمی غیر مطرح
- ۱۵.۴ - پرورش دانشمندان اسلامی
- ۱۶ - مناظرات امام باقر (علیه السلام)
- ۱۶.۱ - مناظرات گردآوری شده
- ۱۶.۲ - مناظرات مشهور
- ۱۶.۳ - بررسی مناظره با نافع
- ۱۷ - مواضع و اقدامات سیاسی امام باقر (علیه السلام)
- ۱۷.۱ - جایگاه اجتماعی امام
- ۱۷.۲ - تقیه امام
- ۱۷.۳ - مواجهه با هشام
- ۱۷.۴ - گزارش ابن ابی الحدید
- ۱۷.۵ - گزارشات دیگر
- ۱۷.۶ - پرهیز از اقدام سیاسی عمومی
- ۱۷.۷ - راهنمایی حاکمان اموی
- ۱۸ - امامت امام باقر (علیه السلام) در میان شیعیان
- ۱۸.۱ - مخالفان امامت حضرت از شیعیان
- ۱۸.۱.۱ - کیسانیه
- ۱۸.۲ - سرحوبیه
- ۱۸.۲.۱ - زیدیه
- ۱۸.۲.۲ - ولد الحسن
- ۱۸.۳ - احادیث اثبات امامت حضرت
- ۱۸.۴ - دلایل کلامی امامت حضرت
- ۱۹ - فرق شیعه بعد از امام باقر (علیه السلام)
- ۱۹.۱ - پیروان نفس زکیه
- ۱۹.۲ - پیروان ابو منصور عجلی
- ۱۹.۳ - باقریه
- ۲۰ - رابطه امام باقر (علیه السلام) و شیعیان
- ۲۱ - عناوین مرتبط
- ۲۲ - فهرست منابع
- ۲۳ - پانویس
- ۲۴ - منبع

کنیه امام باقر (علیه السلام)

روایان و محدثان شیعه غالباً با **کنیه** ابوجعفر از امام باقر علیه السلام یاد کرده‌اند. برای تمایز احادیث منقول از امام نهم، حضرت **محمد بن علی الجواد** علیه السلام، که او نیز کنیه ابوجعفر داشته است، از **روایت** امام باقر علیه السلام، لفظ «ثانی» را به کنیه امام نهم افزوده‌اند.

[۱] مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال فی علم الرجال، ج ۱۲، ص ۴۳۴-۴۳۵.

القلب امام باقر (علیه السلام)

لقب مشهورشان «**باقر**» یعنی شکافته علوم است (رجوع کنید به دنباله مقاله)، اما **القلب** دیگری چون «هادی» و «شاکر» هم داشته‌اند.

[۲] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الائمه، ج ۲، ص ۳۲۹.

نقش انگشتی ایشان نیز، به روایت **ابن عساکر**،

[۳] ابن عساکر، ترجمه الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام و تلیها ترجمه ابنه الامام محمدالباقر علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۴۱۱۴۱۳. «أَلْفُوهُ لَهِ جَمِيعاً» بوده است.

نسب امام باقر (علیه السلام)

حضرت باقر علیه السلام از سوی **پدر**، نوه **امام حسین** علیه السلام و از سوی **مادر**، نوه **امام حسن** علیه السلام است.

مادرشان فاطمه دختر امام حسن علیه السلام بود، ازین رو در حق او گفته اند: علوی بود که از دو سوی علوی بود و فاطمی بود که از دو سوی فاطمی بود. [۴] این شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۳۸.

← فضایل مادر حضرت

فاطمه بنت الحسن، که به ام عبدالله (یا ام عبد، یا احسن) شهرت داشت، بانویی جلیل القدر بود و از حضرت صادق علیه السلام درباره او نقل شده است که «او صدیقه بود و در آل حسین زنی چون او نبوده است». [۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹.

← اقوال درباره نام مادر حضرت

← سبط ابن جوزی

برخی از متأخران چون سبط ابن جوزی (متوفی ۶۴۵)

[۶] سبط ابن جوزی، تنکرة الخواص، ج ۱، ص ۳۰۲.

و این خلکان (متوفی ۶۸۱)

[۷] این خلکان، شمس الدین، وفیت الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

مادر امام پنجم را دختر حسن منقذی و نوه امام مجتبی علیه السلام دانسته اند.

این قول صحیح نیست، زیرا مورخان قرن سوم و از جمله یعقوبی

[۸] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ الیعقوبی، ج ۲، ص ۳۰۵.

[۹] بلذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، ج ۳، ص ۱۴۷.

و نیز علوی عمری، نسب شناسی قرن پنجم،

[۱۰] علوی، علی بن محمد، المجدی فی انساب الطالبین، ج ۱، ص ۲۰.

تصریح کرده اند که او دختر امام مجتبی علیه السلام بوده است.

← اربلی

اِربلی

[۱۱] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۳۱.

نیز به نقل از حافظ عبدالعزیز جُنَابَدی (متوفی ۶۱۱)، مادر ام عبدالله را انفروه دختر قاسم بن محمد ابی بکر (متولد ۳۷) دانسته، که اشتباه است.

زیرا به تصریح علماء از جمله شیخ مفید

[۱۲] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۷۶.

[۱۳] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۶.

مفروه همسر امام باقر علیه السلام بوده است.

منشأ این اشتباه خطایی است که در کتابت و نقل رخ داده و بر اثر حذف شدن قسمتی از روایت، عبارت راجع به فرزندان امام باقر علیه السلام (یعنی امام صادق علیه السلام و عبدالله

بن محمد) به خطا به مادر آن حضرت نسبت داده شده است.

این اشتباه عیناً در بحار الانوار

[۱۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۸.

تکرار شده است، ولی عبارت درست و کامل را این سعد

[۱۵] این سعد، محمد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۰.

و این جوزی

[۱۶] این جوزی، عبدالرحمان بن علی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۱۰۸.

آورده اند.

اربلی، نیز عبارت ابن جوزی را در صفحات بعد

[۱۷] این جوزی، عبدالرحمان بن علی، صفة الصفوة، ج ۲، ص ۳۵۹.

نقل کرده است.

تولد امام باقر (علیه السلام)

همه منابع محل تولد آن حضرت را مدینه نوشته، ولی در سال ولادتشان اختلاف دارند.

بیشتر منابع شیعی تولد آن حضرت را در ۵۷ هجری دانسته اند

[۱۸] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹.

[۱۹] اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفة الائمة، ج ۲، ص ۳۲۸.

[۲۰] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۱، ص ۱۵۸.

(مجلسی)

[۲۱] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲۱۹.

بیشتر اقوال را آورده است) و برخی از مورخان اهل سنت نیز بر این قول اند،

[۲۲] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

اما عده‌ای سال ۵۶ را نکر کرده‌اند.

[۲۳] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.

[۲۴] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.

[۲۵] صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.

در روز تولد ایشان نیز اختلاف است.

شیخ طوسی

[۲۶] طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتعجب، ج ۱، ص ۸۰۱.

فضل بن حسن طبرسی

[۲۷] طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، ج ۱، ص ۴۹۸.

و دیگران

[۲۸] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۹ ۲۱۲.

روز ولادت آن حضرت را روز جمعه اول ماه رجب و به گفته طبرسی بعضی تولد ایشان را در سوم صفر می‌دانند.

از معاصران نیز، سید محسن امین

[۲۹] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۵.

و حاج شیخ عیسی قمی

[۳۰] قمی، عیسی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۹۶.

آن را سوم صفر یا اول رجب؛ و از اهل سنت، ابن خلکان

[۳۱] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

سوم صفر ضبط کرده‌اند.

شهادت امام باقر (علیه السلام)

تاریخ رحلت امام باقر علیه السلام را با اختلاف پنج سال، از ۱۱۳ تا ۱۱۸، نکر کرده‌اند.

ابن سعد

[۳۲] ابن سعد، محمد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۴.

نخست با نقل خبری از استاد خود واقفی تاریخ رحلت آن حضرت را سال ۱۱۷ و مدت عمرشان را ۷۳ سال نکر می‌کند، سپس می‌گوید که رحلت ایشان را در ۱۱۸ و ۱۱۴ هم

دانسته‌اند.

ابن اثیر

[۳۳] ابن اثیر، ابو الحسن، الکامل فی التاریخ، ج ۵، ص ۱۸۰.

نیز عمر حضرت باقر علیه السلام را ۷۳ سال ثبت کرده و ۵۸ سال را نیز نسبت داده است.

اما بیشتر مورخان شیعی و سنی وفات آن حضرت را در ۱۱۴ و اکثر سیره نویسان شیعه عمر وی را ۵۷ سال دانسته‌اند (

[۳۴] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.

[۳۵] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۱.

[۳۶] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲۱۹.

و منابع دیگر).

به هر حال، ۷۳ سال یقیناً نادرست است، زیرا در آن صورت باید در سال ۴۴ متولد شده باشند.

اما چون عموم مورخان تولد پدرش علی بن حسین علیه السلام را در سال ۳۸ نوشته‌اند و بنا بر این در سال ۴۴ آن حضرت بیش از شش سال نداشته است، امکان تولد حضرت باقر علیه السلام در سال ۴۴ منتهی است.

یعقوبی

[۳۷] یعقوبی، احمد بن اسحاق، تاریخ یعقوبی، ج ۲، ص ۳۲۰.

هر چند وفات حضرت باقر علیه السلام را به سال ۱۱۷ می‌داند، می‌گوید که وی ۵۸ سال عمر کرده و در واقعه عاشورا چهار ساله بوده است.

اما چون واقعه عاشورا در سال ۶۱ هجری بوده، وفات آن حضرت سال ۱۱۴ می‌شود نه ۱۱۷.

به نظر می‌رسد که چون مورخان اهل سنت، ولادت را سال ۵۶ و وفات را ۱۱۴ ثبت کرده‌اند، باید عمر امام باقر علیه السلام را ۵۸ سال بدانند.

[۳۸] حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، ج ۲، ص ۷۲.

— ماه و روز شهادت

در ماه و روز رحلت آن حضرت نیز اختلاف است و آن را در ربیع الاول و هفتم ذی الحجه و ربیع الآخر گفته‌اند.

[۳۹] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۲۱۹.

[۴۰] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۵.

[۴۱] قمی، عیسی، منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۳۵.

برخی از مورخان، از جمله ابن خلکان

[۴۲] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

و صفدی

[۴۳] صفدی، خلیل بن ابی‌بکر، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.
محل وفات او را دمکده‌ای به نام حُمَیْمَه واقع در منطقه شِراة بین راه مدینه به مشق
[۴۴] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۳، ص ۲۷۸.
دانسته‌اند.

← محل شهادت

در باره محل دفن آن حضرت، گورستان بقیع در مدینه، اختلافی دیده نمی‌شود.

در روایت ابو بصیر از حضرت صادق علیه‌السلام که کلینی

[۴۵] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۲.

و به نقل از او مجلسی

[۴۶] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۷.

آورده است، آن حضرت می‌فرماید که پدرم به سال ۱۱۴ وفات یافت و پس از پدر نوزده سال و دو ماه زنده بود.

چون رحلت امام سجاد علیه‌السلام را بیشتر مورخان در محرم نوشته‌اند، ظاهراً رحلت امام باقر علیه‌السلام در ربیع الاول بوده است.

ولی از ظاهر تعبیر بیشتر مورخان و صریح عبارت شهید اول (مجلسی

[۴۷] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۷.

به نقل از الذروس) و قمی

[۴۸] قمی، عباس، منتهی الامال، ج ۲، ص ۱۳۵.

برمی آید که هفتم ذی الحجه را برگزیده‌اند.

سوانح حیات امام باقر (علیه‌السلام)

بنا بر اشهر اقوال، تولد امام باقر علیه‌السلام در سال ۵۷ و وفات آن حضرت در ۱۱۴ است و مدت عمر او ۵۷ سال و مدت امامتش ۱۹ یا ۲۰ سال (محرم ۹۴ تا ربیع الاول یا ذی الحجه ۱۱۴) است.

← ائمه زمان حضرت

چهار سال از حیات جد خود امام حسین علیه‌السلام و ۳۷ سال از زندگی پدر خود حضرت علی بن حسین علیه‌السلام را درک کرد.

← خلفای زمان حضرت

دوران زندگی با حکومت ده تن از خلفای اموی (از معاویه بن ابی سفیان تا هشام بن عبدالملک) و ایام امامتش با حکومت پنج تن از ایشان - ولید بن عبدالملک (متوفی ۹۶) و سلیمان بن عبدالملک (متوفی ۹۹) و عمر بن عبدالعزیز (متوفی ۱۰۱) و یزید بن عبدالملک (متوفی ۱۰۵) و هشام بن عبدالملک (متوفی ۱۲۵) مقارن بود.

پس این‌که بعضی از جمله این شهر آشوب

[۴۹] این شهر آشوب، محمد بن علی، منقاب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۲۰.

و مجلسی به نقل از او در بحار الانوار،

[۵۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۱۶.

سال‌های امامت او را تا زمان خلاف ولید بن یزید بن عبدالملک (مقتول ۱۲۶) و یزید بن ولید بن عبدالملک (متوفی ۱۲۶) و برادرش ابراهیم بن ولید (مخلوع در ۱۲۷) بسط داده‌اند، اشتباه کرده‌اند.

[۵۱] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۵.

مسعودی

[۵۲] مسعودی، علی بن حسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، ص ۲۳۲.

ضمن آن‌که وفات امام باقر علیه‌السلام را به دوران حکومت ولید بن یزید نسبت داده، گفته است که بعضی وفات ایشان را در روزگار یزید بن عبدالملک دانسته‌اند.

← فعالیت‌های فرهنگی

بنا بر آنچه از منابع معتبر به دست می‌آید، دوران زندگی امام پنجم پیش‌تر در شهر مدینه به نشر معارف دینی و ارشاد شیعیان و تربیت شاگردان گذشت.

← احضار شدن به شام

به روایت کلینی،

[۵۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۱-۴۷۲.

[۵۴] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۶۳۲۰.

یک بار در دوران هشام بن عبدالملک (حک: ۱۲۵-۱۰۵) آن حضرت و فرزندش امام صادق علیه‌السلام از مدینه به شام احضار شدند.

این ماجرا بعد از مراسم حج، که هشام و امام باقر علیه‌السلام هر دو در آن حضور داشتند، روی داده و ظاهراً قصد هشام از این کار ارباب امام بوده است.

بیبقی

[۵۵] بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۶.

به نقل از [کسایی](#) و نقلی او از [هارون خلیفه عباسی](#)، سفر دیگر آن حضرت را به شام به دعوت [عبدالملک مروان](#) (حک: ۸۶-۶۵) گزارش کرده که البته پیش از دوران امامت او بوده است. (در باره این دو [سفر](#) و آنچه میان امام و خلفای اموی گذشت رجوع کنید به دنباله مقاله) ابن عساکر

[۵۶] ابن عساکر، ترجمه الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه السلام و تالیها ترجمه ابنه الامام محمدباقر علیه السلام من تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۷. نیز دعوت عمر بن عبدالعزیز (حک: ۹۹-۱۰۱) از ایشان را به شام، به منظور [رایزنی](#) برخی از مسائل دانسته است. به گفته او، عمر بن عبدالعزیز به [فقیها](#) علاقه فراوان داشت و آنان را نزد خود دعوت می کرد که از جمله ایشان امام باقر علیه السلام بود.

فرزندان امام باقر (علیه السلام)

ابن سعد

[۵۷] [ابن سعد، محمد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۰.](#)

فرزندان حضرت باقر علیه السلام را چهار [پسر](#) و دو دختر نوشته است.

مفید و طبری پنچ [پسر](#) و دو دختر به این شرح نوشته اند: ابو عبدالله جعفر (امام صادق علیه السلام) و عبدالله (ابن شهر آشوب

[۵۸] [ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۲۱۰.](#)

به اشتباه او را [عبدالله افطح](#) خوانده است) که مادر این دو [مفید](#) و [جعفر](#) دختر قاسم بن محمد بن ابی بکر بود؛ ابراهیم و عبدالله که در کودکی درگذشتند و مادرشان [احکیم](#) دختر [اسید](#) (اسد و سید هم ثبت شده است) بن مغیره التقی بود؛ علی و زینب و ام سلمه که مادر هایشان [کنیز](#) بوده اند.

از بلی ضمن نقل کامل سخن مفید، از [ابن طلحه شافعی](#) روایت کرده است که او فرزندان امام را سه [پسر](#) و یک دختر دانسته است.

[۵۹] [ار بلی، علی بن عیسی، کشف الغمّه فی معرفة الانمّه، ج ۲، ص ۳۳۰.](#)

علوی عمری

[۶۰] [علوی، علی بن محمد، المجذی فی انساب الطالبین، ج ۱، ص ۹۴.](#)

فرزندان امام را سه دختر و شش [پسر](#) ذکر کرده، اما [سومین](#) دختر را نام نبرده و نام [پسر](#) ششم را، که با ابراهیم و عبدالله از یک [مادر](#) بوده، زید نوشته است.

نسل ایشان، همچنان که [علوی](#) عمری

[۶۱] [علوی، علی بن محمد، المجذی فی انساب الطالبین، ج ۱، ص ۹۴.](#)

نیز یادآوری کرده، فقط از فرزند برومندش امام صادق علیه السلام باقی ماند.

شمایل امام باقر (علیه السلام)

امام باقر علیه السلام میانه بالا و گندمگون و لاغر میان بود.

پوستی شاداب و نرم و مویی مجعد داشت.

صدایش نیکو بود و بر گونه اش خالی دیده می شد.

[۶۲] [ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۳۳۹.](#)

محمد بن منکر ایشان را تنومند وصف کرده است.

[۶۳] [مفید، محمد بن محمد، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۱.](#)

سیره امام باقر (علیه السلام)

← میزان بهره‌مندی از دنیا

در منابع شیعی روایاتی نقل شده است که بر طبق آن‌ها امام باقر علیه السلام از پوشیدن [لباس](#) خوب و پاکیزه و تهیه [غذاهای](#) خوب در [خانه](#) دریغ نداشت و خصوصاً برای رعایت حال برخی از افراد خانه این کار را لازم می دید.

[۶۴] [محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۲۸۰، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.](#)

[۶۵] [محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۶، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.](#)

[۶۶] [محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۸، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.](#)

این نکته از آن جهت حائز اهمیت است که در روزگار ایشان برخی گرایش‌های [ترک دنیا](#) پیدا شده بود. و شاید به همین دلیل است که این موضوع در منابع نقل شده است.

← کشاورزی

امام با آن‌که از مرتبت بلند اجتماعی برخوردار بود و به گفته [ذهبی](#)

[۶۷] [ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.](#)

سروری و دانش و رفتار صحیح را یکجا جمع کرده بود، شخصاً در گرمای [حجاز](#) در [مزرعه](#) کار می کرد و انگیزه این کار را اطاعت [خدا](#) و بی نیاز شدن خود و خانواده اش از مردم می دانست.

[۶۸] [محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۲، قم ۱۴۱۳.](#)

← هزینه زندگی

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود پدرم از سایر افراد **خاندان** خود درآمد کمتری داشت، ولی هزینه زندگی او از همه بیشتر بود. [۶۹] **محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۴، بیروت ۱۴۰۳.**

← مردمداری

آمد و شد **خویشانش** او را دلگیر نمی‌کرد و از آنان با خوراکی‌های خوب پذیرایی می‌کرد و جمله‌های نیکو و **میل** نقد می‌بخشید. [۷۰] **محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۰-۲۹۱، بیروت ۱۴۰۳.**

این روش را با دیگران نیز به کار می‌گرفت و هرگز از **بخشش** به برادران و متقاضیان و کسانی که به امیدی نزد وی آمده بودند، دریغ نمی‌کرد. [۷۱] **محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۸، بیروت ۱۴۰۳.**

همچنین خدمتکاران خود را در کارهای دشوار، یاری می‌کرد.

[۷۲] **محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۳، بیروت ۱۴۰۳.**

هرگاه می‌خواست به سائلی کمک مالی کند او را «یا سائل» نمی‌خواند، بلکه «یا عبدالله» (ای بنده خدا) می‌گفت. [۷۳] **ابن قتیبه، کتاب عیون الاخبار، ج ۲، ص ۲۰۸، بیروت (بی تا).**

← زهد

امام باقر علیه‌السلام را از زاهدان بزرگ عالم **اسلام** خوانده‌اند.

ابونعیم با عبارت «الحاضرُ الذَّاکِرُ، الخائضُ الصَّابِرُ» از ایشان یاد کرده است.

[۷۴] **احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۸۰، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷.**

عطار کتلب **تکررة الاولیاء**

[۷۵] **محمد بن ابراهیم عطار، کتلب تکررة الاولیاء، ج ۲، ص ۳۳۹، چپ نیکلسون، لینن ۱۹۰۵، تهران، بی تا.** خود را با یاد این امام خاتمه داده و، به پیروی از **هجویری**،

[۷۶] **علی بن عثمان هجویری، کشف المحجوب، ج ۱، ص ۹۲-۹۳، چپ ژوکوفسکی، تهران ۱۳۵۸ ش.** از آن حضرت به «برهان ارباب مشاهدت» و «امام اولاد نبی» و «گزیده نسل علی» تعبیر کرده است.

← بیان حقایق عرفانی

علاوه بر زهد عملی، بیان آن حضرت در تفسیر الفاظی چون **عبادت**، **محبت**، **غنا**، **تقوا**، **توکل** و **دنیا** را مگشای کسانی بوده که **دین** را از وجهه معنوی و **عرفانی** می‌نگریسته‌اند. به گفته **ابن حجر هبتمی**

[۷۷] **ابن حجر هبتمی، الصواعق المخرفة فی الرد علی اهل البدع و الزندقه، ج ۱، ص ۲۰۱، چپ عبدالوہب عبداللطیف، قاهره ۱۹۶۵/۱۳۸۵.** امام باقر علیه‌السلام در ترسیم **مقامات عارفان** و بیان **حقایق عرفانی** سخنانی دارد که زبان از وصف آن عاجز است.

← ذکر

کلینی از امام صادق علیه‌السلام نقل کرده است که فرمود پدرم همواره **ذکر** خدا می‌گفت و افراد خانواده خود را هم به این کار سفارش می‌کرد.

[۷۸] **محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۹۹، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.**

[۷۹] **محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۷، بیروت ۱۴۰۳.**

در سفر حج او را دیدند که **غسل** کرد و با پای برهنه وارد منطقه **حرم** شد، چون به **مسجد الحرام** رسید، به **کعبه** نگر بست و با صدای بلند **گریه** کرد. آن‌گاه **طواف** کرد و بعد از **نماز** سر به **سجده** نهاد، هنگامی که سر از **زمین** برداشت محلّ سجده از بسیاری **اشک** مرطوب شده بود.

[۸۰] **علی بن عیسیٰ اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الانمّة، ج ۲، ص ۳۲۹، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.**

[۸۱] **محمدباقر بن محمدنقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۹۹-۳۰۰، بیروت ۱۴۰۳.**

← مواجهه با مصائب

در برابر **مصائب** تسلیم بود و همواره می‌ترسید که مبادا نعمت‌های خدا را ناسپاسی کرده باشد. زمانی یکی از افراد خانواده او **بیمار** شد و سپس درگذشت.

امام که از بیماری او ناراحت بود، بعد از **مرگ** وی هرگز اظهار **جزع** نکرد و فرمود: آنچه را دوست می‌داریم از خدا می‌خواهیم، اما وقتی آنچه برای ما ناگوار است روی دهد، نسبت به آنچه خدا برای ما پسندیده است، مخالفت نمی‌کنیم.

[۸۲] ابن عساکر، ترجمه الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و تلیها ترجمه ابنه الامام محمدباقر علیه‌السلام من تاریخ مدینه دمشق، ج ۱، ص ۱۶۱، چاپ محمدباقر محمودی، تهران ۱۴۱۳.

[۸۳] ابن قتیبه، کتب عیون الاخبار، ج ۳، ص ۵۷، بیروت (بی تا).

← فروتنی

آن حضرت در برابر دوستان **فروتنی** می‌کرد و **بذریانی** افراد را نادیده می‌انگاشت.

[۸۴] ابن شهر آشوب، **محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب**، ج ۳، ص ۳۳۷.

← عبادت

ذهبی [۸۵] **محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء**، ج ۴، ص ۴۰۳.

نقل کرده است که امام باقر علیه‌السلام در شبانه روز صد و پنجاه **رکعت** نماز می‌گزارد، و از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که پدرش را بنا بر **وصیت** خود او، در جامه‌ای که هنگام نماز بر تن می‌کرد به **خک** سپردند.

[۸۶] ابن سعد، **محمد، الطبقات الکبیر**، ج ۵، ص ۳۲۳.

[۸۷] **مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار**، ج ۴۶، ص ۲۲۰.

مقام علمی امام باقر (علیه‌السلام)

← وجه تسمیه به باقر

همه مؤلفان در ادیان **شیعه** و **سنی** سبب ملقب شدن آن حضرت را به «**باقر**» دانش فراوان او دانسته‌اند؛ و غالباً این نامگذاری را از **پیامبر اکرم** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌دانند که **جابر بن عبدالله انصاری** از آن حضرت نقل کرده است.

← روایت پیامبر

ابن قتیبه [۸۸] ابن قتیبه، کتب عیون الاخبار، ج ۱، ص ۲۱۲، بیروت (بی تا).

به مناسبت نقل دیدار **زید بن علی بن حسین** با هشام بن عبدالملک و اعتراض او به هشام به سبب تعبیر توهین آمیز وی نسبت به امام باقر علیه‌السلام، از زید نقل می‌کند که **لقب** باقر را **پیامبر** صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بر محمد بن علی نهاد.

سپس زید از **جابر بن عبدالله** نقل کرده که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم از عمر طولانی جابر تا نایل شدن به دیدار فرزندشان «باقر» خبر داده و از او خواسته بود که چون آن فرزند را دید سلام پیامبر را به او برساند.

در این روایت از زبان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم وجه این نامگذاری نقل شده است: **يَبْقُرُ الْعِلْمَ بَقْرًا**.

[۸۹] **الخصيرة في علم الكلام**، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.

ابن بابویه

[۹۰] ابن بابویه، **علل الشرايع**، ج ۱، ص ۲۳۳، نجف ۱۳۸۵.

نیز همین روایت جابر را با اندکی تفاوت با **سند** از **جابر بن یزید جعفی** آورده که **جابر بن یزید** این توضیح را افزوده بوده است: **لَا تَهْ بَقْرَ الْعِلْمِ، أَيْ شَقَّهُ شَقًّا**.

[۹۱] **الخصيرة في علم الكلام**، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.

شیخ مفید نیز این روایت را آورده است.

← نظر ابن عماد

ابن عماد

[۹۲] **حنبلی، ابن عماد، شذرات الذهب في اخبار من ذهب**، ج ۲، ص ۷۲.

آن حضرت را از فقهای مدینه بر شمرده که به سبب دانش فراوان و شناختن ریشه و درون آن، او را باقر خوانده‌اند.

← نظر ابن خلکان

ابن خلکان،

[۱۳۱] ابن خلکان، شمس الدین، وفیات الاعیان، ج ۴، ص ۱۷۴.

صَفَدی

[۱۳۴] صفدی، خلیل بن ابی‌بکر، الوافی بالوفیة، ج ۴، ص ۷۷.

و ذهبی

[۱۵۱] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.

نیز همین توضیح را آورده‌اند.

← نظر ابن منظور

ابن منظور نیز ذیل ماده «بقر» گفته است که به محمد بن علی بن حسین، رضوان‌الله‌علیهم، از آن‌رو باقر گفته می‌شد که علم را می‌شکافت و ریشه آن را شناخته بود و فروع آن را استنباط می‌کرد و در دانش «تبقر» می‌نمود. سپس می‌گوید: «تبقر» به معنای توسعه در دانش و مال آمده است.

← نظر زبیدی

مرتضی زبیدی نیز ذیل ماده «بقر» روایت جابر را از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم در باره آن حضرت نقل کرده است.

← فقه و حدیث حضرت

زمان امام باقر علیه‌السلام، یعنی دهه‌های آخر قرن اول و دهه‌های اول و دوم قرن دوم هجری، زمان ظهور فقهای بزرگ مخصوصاً در مدینه بود. در این دوران، مسلمانان که از فتوحات خارجی و جنگ‌های داخلی تا حدودی فراغت یافته بودند (و فقط خوارج و برخی شورشیان، خراسان و مناطقی دیگر را در ناآرامی نگاه داشته بودند) از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی برای فراگرفتن احکام الهی و فقه اسلامی به مدینه، که شهر حضرت رسول صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم و اصحاب و تابعان ایشان بود، روی می‌نهادند.

فقها و محدثان بزرگی از جمله سعید بن مسیب (متوفی ۹۴)، عروة بن زبیر (متوفی ۹۴)، خارجة بن زید بن ثابت (متوفی ۹۹)، ربیعة الرأی (متوفی ۱۳۶)، سفیان بن عیینة و محمد بن شهب زهری (متوفی ۱۲۴) در این شهر جمع بودند.

به خصوص که منم کتابت حدیث در زمان عمر بن عبدالعزیز لغو شده بود.

[۱۹۶] مرتضی عسکری، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۴۴، تهران ۱۴۰۵.

در این دوران شکوفایی فقه و حدیث بود که دانش و معرفت امام باقر علیه‌السلام و نیز فرزند او امام صادق علیه‌السلام، بر همگان آشکار شد و اصول و مبانی کلام و فقه و سایر معارف دینی شیعه، که این دو امام بیش از همه مبین آن بودند، تدوین و توسط راویان و شاگردان ایشان به عالم پراکنده شد. بسیاری از مجتهدان و مؤسسان مذاهب فقهی دیگر از این دو امام فیض برده‌اند و به همین جهت، رایج شدن لقب «باقر» برای امام پنجم، که لقبی کاملاً علمی است، بسیار پر معنی است.

← نظر نسایی

نسایی از محدثان بزرگ اهل سنت آن حضرت را از «فقهای بزرگ تابعین» در مدینه شمرده است

[۱۹۷] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۳.

و به گفته او، همه حافظان حدیث در استناد و احتجاج به قول آن حضرت اتفاق دارند.

← نظر ذهبی

ذهبی

[۱۹۸] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.

او را جامع مقام علم و عمل و بزرگی و شایسته مقام خلافت دانسته است.

← نظر شیخ مفید

شیخ مفید

[۱۹۹] محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۵۷، قم ۱۴۱۳.

در باره جایگاه علمی آن حضرت می‌نویسد که بازماندگان صحابه و بزرگان تابعان و روسای فقهای مسلمانان از آن حضرت در مسایل دینی روایت کرده‌اند.

به نوشته او، امام اخبار پیشینین و پیامبران را روایت می‌کرد.

مردم از او در بلب مغازی و سیرت و سنت رسول صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم حدیث می‌آموختند و در مناسک حج، که از پیامبر نقل می‌کرد، بر او اعتماد داشتند و از ایشان تفسیر قرآن بر می‌نوشتند.

← نظر عبدالله مکی

- از **عبدالله بن عطاء مکی** نقل شده است که دانشمندان را در هیچ مجلسی کوچکتر از آن ندیده‌ام که در محضر ابوجعفر دیده‌ام؛ حکم بن غنیه (از فقهای بزرگ کوفه، متوفی ۱۱۵) [۱۰۱] **ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۲۰۸۲۱۳.**
- را در پیشگاه او به سان **شاکردی نزد استاد** دیدم.
- [۱۰۲] احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۸۶، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷.
- [۱۰۳] ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و ثلثها ترجمة ابنه الامام محمدباقر علیه‌السلام من تاریخ مدینة دمشق، ج ۱، ص ۱۴۲، چاپ محمدباقر محمودی، تهران ۱۴۱۳.
- [۱۰۴] محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۰۶، قم ۱۴۱۳.

سیط ابن جوزی

- [۱۰۴] سبط ابن جوزی، تنکرة الخواص، ج ۱، ص ۳۰۲، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- این مطلب را به عطا نسبت داده که ظاهر آخطا در نقل یا در کتابت است.

سید محسن امین

- [۱۰۵] امین، محسن، **اعیان الشیعه**، ج ۱، ص ۶۴۶.
- نیز این اختلاف را یادآوری کرده است.

راویان امام باقر (علیه‌السلام)

ابونعیم، ذهبی و ابن شهر آشوب شماری از محدثان و فقها را به عنوان راویان امام باقر علیه‌السلام نام برده‌اند، که از آن جمله‌اند: **اوزاعی** (متوفی ۱۵۱)، **أغمش** (متوفی ۱۴۴)، **ابن جریر** (متوفی حدود ۱۵۰)، **عطاء بن ابی رباح** (متوفی ۱۱۴ یا ۱۱۵)، **حجاج بن أرطاة**، ربیعة الزاری، **عمر و بن دینار** (متوفی ۱۲۶)، محمد بن شهاب زهری، جابر بن عبدالله انصاری (متوفی ۷۸)، **ابو اسحاق سبعی** (متوفی ۱۲۷)، **عبد الرحمن بن کیسان الاعرج**، **ابوبکر لیث بن سلیم کوفی** (متوفی ۱۳۸ یا ۱۴۳) و **ابوحنیفه نعمان بن ثابت** (متوفی ۱۵۰).

بنا بر این، عبارت ابن سعد

- [۱۰۶] **ابن سعد، محمد، الطبقات الکبیر، ج ۵، ص ۳۲۴.**

که ضمن ادعان به مقام علمی امام باقر علیه‌السلام (و کَانَ یَقَعُ کَثِیرَ الْعِلْمِ)، گفته است: راویان آن حضرت کسانی نیستند که مقبولیت داشته باشند (لَیْسَ یُرَوِّی عَنْهُ مَنْ یُحْتَجُّ بِهِ)، قابل تأمل و شگفت انگیز است (رجوع کنید به دنباله مقاله).

در **کتاب‌های رجال شیعه** نام‌های راویان امام باقر علیه‌السلام ثبت شده و از جمله **شیخ طوسی**

- [۱۰۷] محمد بن حسن طوسی، رجال الطوسی، ج ۱، ص ۱۰۲-۱۴۲، نجف ۱۳۸۰/۱۹۶۱.

آن‌ها را بر اسل **حروف تهجی** ذکر کرده که بالغ بر ۴۶۶ تن می‌شود.

البته با تنوع در **اسانید روایت**، ممکن است بر شماری بیش از این دست یافت، همچنانکه احتمال دارد برخی از این نام‌ها به اصحاب **امام جواد** علیه‌السلام بر می‌گردد. برخی از راویان آن حضرت، مانند جابر بن یزید جعفی، عبدالله بن عطاء مکی و **ابان بن تغلب** از نظر محدثان اهل سنت نیز محترم بوده‌اند.

یاران خص امام باقر (علیه‌السلام)

در این میان، یاران و پروردگان خاص **مکتب** امام باقر علیه‌السلام که ناشر و مبین آراء و اقوال آن حضرت بوده‌اند، جایگاه ویژه‌ای دارند. از معروفترین آنان علاوه بر جابر بن یزید و ابان بن تغلب، می‌توان از کسانی چون **ابو حمزه ثمالی**، **خمران بن اعین**، **محمد بن مسلم تقفی**، **زرارة بن اعین**، **معروف بن خربوذ**، **یزید العجلی**، **ابو بصیر اسدی** و **فضیل بن یسار** نیز نام برد.

به ابو حمزه ثمالی کتاب‌هایی در حدیث و تفسیر نسبت داده شده و گروهی از بزرگان اهل سنت از او اخذ حدیث کرده‌اند.

جابر بن یزید که به گفته خود فقط ۷۰،۰۰۰ حدیث از امام باقر علیه‌السلام فرا گرفته بود

- [۱۰۸] **محمدباقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۰، بیروت ۱۴۰۳.**

از آن حضرت غالباً با عنوان «وصی الاوصیاء و وارث علم الانبیاء» یاد می‌کرد.

- [۱۰۹] علی بن عیسی اربلی، ج ۲، ص ۳۳۷، به نقل از مفید، کشف الغمّه فی معرفة الائمة، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

همچنین از **محمد بن مسلم** روایت شده که از امام باقر علیه‌السلام در باره ۳۰،۰۰۰ مطلب سؤال کردم.

- [۱۱۰] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۳.

- [۱۱۱] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۹۱.

- [۱۱۲] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۲۸.

در میان **علمان شیعه** شش نفر اخیر از داناترین دست‌پروردگان امام باقر علیه‌السلام و فرزندش، حضرت صادق علیه‌السلام شناخته شده‌اند و **زراره** برترین آن‌هاست.

- [۱۱۳] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۷.

از آن‌ها و دوازده تن دیگر اصطلاحاً به عنوان **اصحاب اجماع** یاد می‌شود.

احادیث امام باقر (علیه‌السلام)

← **کتاب اهل سنت**

مطالب منقول از امام باقر علیه‌السلام در **صحاح و سنن اهل سنت** انک است

- [۱۱۴] **ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۲.**

مثلاً **بخاری** فقط سه حدیث در باب غسل را از آن حضرت نقل کرده که از جابر بن عبدالله روایت کرده بوده‌اند.

[۱۱۵] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۸، استانبول ۱۹۸۱.

[۱۱۶] محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، ج ۱، ص ۶۹، استانبول ۱۹۸۱.

اما در متون حدیثی و فقهی شیعه، اعم از امامیه و اسماعیلیه،

[۱۱۷] دعائم الاسلام، چاپ آصف بن علی اصغر فیضی، (قاهره) ۱۹۶۳-۱۹۶۵.

بالاترین رقم حدیث به این امام و فرزندش اختصاص دارد.

← علال کم بودن احادیث

علت اصلی کم بودن احادیث امام باقر علیه السلام، و به طور کلی امامان شیعه در کتب‌های اهل سنت، چند چیز است.

از جمله بیش‌تر راویان این احادیث، شیعیان، و به تعبیر اهل سنت رافضیان، بوده‌اند؛ و حال آن‌که به نقل روایت از قول رافضیه، اعتراض و آن را منع کرده‌اند.

[۱۱۸] ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۱، ص ۱۰-۱۲، بیروت ۱۹۷۱/۱۳۹۰.

دیگر این‌که امام باقر علیه السلام بسیاری از مطالب دینی و احکام فقهی را بی آن‌که به صورت حدیث به پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نسبت دهد، بیان می‌کرده است، و این از نظر شیعیان کاملاً پذیرفته است.

زیرا امام باقر علیه السلام را امام معصوم و جانشین پیامبر می‌دانند که دانش او به واسطه پدراش به پیامبر می‌رسیده است.

حتی بنا بر یک روایت

[۱۱۹] محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۷، قم ۱۴۱۳.

[۱۲۰] محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۸۸، بیروت ۱۴۰۳.

آن حضرت گفته است که من همه آن‌چه را که می‌گویم به واسطه پدراش از حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم روایت می‌کنم که ایشان آن را از فرشته وحی و او آن را از خدا دریافت کرده است.

اما نویسندگان کتب حدیث اهل سنت فقط منقولات از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم صحابه را نقل می‌کردند و بالتبع منقولاتشان از امامان شیعه بسیار اندک بوده است.

← نوع روایت نقل شده

گفتنی است که تعداد زیادی روایت نیز از امام باقر علیه السلام نقل شده که ایشان به واسطه پدراش از پیامبر نقل کرده است.

روایات منقول از امام باقر علیه السلام در کتب اهل سنت غالباً از این دست است.

مثلاً احمد بن حنبل در، قسمت راجع به علی بن ابیطالب،

[۱۲۱] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۷۵-۱۶۰، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

هفت حدیث نقل کرده که امام پنج تای آن‌ها را از پدران خود و دو تا را از محمد بن حنفیه روایت می‌کند.

[۱۲۲] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۷۷-۸۰، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

[۱۲۳] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۹۰، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

[۱۲۴] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۰۱، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

[۱۲۵] ابن حنبل، مسند، ج ۱، ص ۱۰۳، استانبول ۱۹۸۲/۱۴۰۲.

همچنین حاکم نیشابوری از ایشان ده حدیث نقل کرده که هفت مورد آن را به واسطه پدران خود روایت کرده است.

[۱۲۶] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۲۲.

[۱۲۷] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۴۲۸.

[۱۲۸] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۲، ص ۵۸۸.

[۱۲۹] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۴.

[۱۳۰] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۶۳.

[۱۳۱] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۷۳.

[۱۳۲] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۱۶.

[۱۳۳] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۵۶۸.

[۱۳۴] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۲۲.

[۱۳۵] حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، ج ۴، ص ۳۴۵.

← نقل امام از افراد

البته در برخی از کتب‌های اهل سنت نام کسانی چون ابن عباس، ابوسعید خدری، سعید بن مسیب و جابر بن عبدالله انصاری (از جمله به این منبع رجوع کنید

[۱۳۶] احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۳، ص ۱۸۸، بیروت ۱۹۶۷/۱۳۸۷.

) به عنوان مشایخ حدیثی امام باقر علیه السلام ذکر شده و نشان می‌دهد که امام از آن‌ها نقل حدیث کرده است، اما محققان امامیه بر اسل این اعتقاد که امامان شیعه علوم خود را فقط از طریق منابع وحیانی کسب می‌کردند، توضیح داده‌اند که نقل امام از این افراد، بر فرض صحت، بنا بر مصالحی بوده است.

[۱۳۷] امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۵.

بنا بر بررسی ذهبی

[۱۳۸] محمد بن احمد ذهبی، الکشاف فی معرفة من له روایة فی الکتب السنّة، ج ۳، ص ۷۹-۸۰، چاپ عزت علی عید عطیه و موسی محمد علی موشی، قاهره ۱۹۷۲/۱۳۹۲.

در صحاح سنّه، امام باقر علیه السلام به جز پدرش امام سجّاد علیه السلام فقط از عبدالله بن عمر و جابر انصاری روایت کرده است.

با این‌همه به کم نقل شدن احادیث روایت شده از امام باقر علیه السلام و دیگر امامان اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در کتب صحاح و سنن اهل سنت، انتقاد شده است.

آنچه از امام باقر علیه‌السلام روایت شده در همه زمینه‌های **علوم اسلامی** است، اعم از تفسیر و **علوم قرآنی**، فقه، کلام، **اخلاق**، **تاریخ**، **سیره** و مسائل نظام **آفرینش** که گاهی برخی از شاگردان آن حضرت آن‌ها را به صورت کتب مستقلی تدوین کرده‌اند.

← **تفسیر منسوب به امام**

این ندیم

[۱۳۹] این ندیم، کتب الفهرست، ج ۱، ص ۳۶، چاپ رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش.

کتابی را در تفسیر به امام باقر علیه‌السلام نسبت می‌دهد که **ابوالجارود** از او و ابوبصیر اسدی از ابوالجارود روایت کرده است.

این تفسیر در **کتب رجال** و حدیث بیشتر به **تفسیر ابوالجارود** مشهور است، ولی چنانچه **نجاشی**

[۱۴۰] **احمد بن علی نجاشی**، فهرست اسماء مصنفی الشیعة المشتهر بر رجال النجاشی، ج ۱، ص ۱۷۰، چاپ موسی شبیری زنجانی، قم ۱۴۰۷.

نیز تصریح کرده، از امام باقر علیه‌السلام روایت شده است.

آقای زرگ طهرانی

[۱۴۱] **محمدحسن آقایزرگ طهرانی**، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۲۵۱، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

[۱۴۲] **محمدحسن آقایزرگ طهرانی**، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۳۰۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

احتمال داده که این تفسیر، املاء امام بر ابوالجارود بوده است.

اعتماد بزرگانی از محدثان و دانشمندان نیز شاهی بر صحت منقولات آن است.

یکی از شاگردان **علی بن ابراهیم قمی** روایت این تفسیر را در **تفسیر علی بن ابراهیم** درج کرده و البته، به استنباط آقایزرگ طهرانی

[۱۴۳] **محمدحسن آقایزرگ طهرانی**، الذریعة الی تصانیف الشیعة، ج ۴، ص ۳۰۶-۳۰۳، چاپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

این شخص، که انگیزه اصلی او افزودن منقولات از امام باقر علیه‌السلام به تفسیر علی بن ابراهیم بوده است، به گونه‌ای عمل می‌کرده که بین روایات دو تفسیر تفکیک شود و خوانندگان به خطا نیفتند.

اهداف حلقه‌های درسی امام باقر (علیه‌السلام)

پیدایش **مذاهب کلامی** چون **مُزَیَّنه** و **معتزله** و **خوارج**، و آشنایی مسلمانان با آراء ادیان دیگر، و حضور پراکنده پیروان سایر ادیان در میان **مسلمانان**، و ظهور اختلافات فقهی بر اثر عدم دسترسی فقهایی متأخر به **سنت نبوی** به سبب ممنوعیت طولانی روایت و **کتابت حدیث**

[۱۴۴] **مرتضی عسکری**، معالم المدرستین، ج ۲، ص ۴۵۸، تهران ۱۴۰۵.

و انحرافات عملی و فکری سران سرزمین اسلامی از تعالیم پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و توجیه حکومت **امویان**، از طریق ارائه ناقص و تحریف شده **تعالیم اسلام**، از مهمترین وقایع دوران امام باقر علیه‌السلام بود.

گذشته از این، آن دسته از صحابه و تابعان که به پیروی از **امام علی** علیه‌السلام و جانشینان او معتقد بودند، یا به دست حاکمان اموی کشته شده یا بدون امکان انتقال دانسته‌های خود به نسل بعد درگذشته بودند.

این خلا از یک سو راه هر نوع اقدام را برای امام باقر علیه‌السلام دشوار ساخته و از سوی دیگر راه را برای **جاعلان حدیث** و **غالیان** هموار کرده بود.

مراقبت‌های پنهانی مأموران حکومت اموی از **آل علی** و امام باقر علیه‌السلام، به فرد شلخص این خاندان، تهدیدی جدی برای تلاش‌های آن حضرت به شمار می‌رفت.

در این شرایط امام به عنوان عالمی که دانش خود را از طریق پدانش از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم دریافته، حلقه‌های درسی بزرگی را در مدینه تشکیل داد.

او در این کار چهار هدف عمده را پی گرفت:

← **عرضه دیدگاه‌های اسلامی**

عرضه دیدگاه‌های اسلامی در همه زمینه‌ها، به خصوص در باره پرسش‌هایی که دانشمندان سایر ادیان مطرح می‌کردند.

این مطالب هم سبب استواری **ایمان** پیروان دین می‌شد و هم غیرمسلمانان را به برتری **اسلام** معترف می‌کرد.

بنا بر نقل **مفید**

[۱۴۵] **محمد بن محمد مفید**، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۶۳، قم ۱۴۱۳.

امام باقر علیه‌السلام با هر یک از پیروان عقاید گوناگون (اهل الراء) که بر او وارد می‌شد، **منظرة** می‌کرد و مردم مطالب بسیاری را در **علم کلام** از او فرا گرفتند.

اشاره به «اهل آراء» در کلام مفید حایز اهمیت است.

در روزگار امام باقر علیه‌السلام گرایش‌ها و مذاهب مختلف کلامی پدید آمد و نیز پیروان ادیان دیگر در سرزمین‌های اسلامی زندگی می‌کردند و میان ایشان و مسلمانان برخوردهای فکری روی می‌داد.

بدین طریق، پرسش‌ها و بحث‌های کلامی مطرح می‌شد و حضرت باقر علیه‌السلام، گذشته از مقام **امامت** و **زعامت شیعیان**، به عنوان یکی از دانشمندان بزرگ زمان خود، که همه دانشمندان اسلامی به برتری علمی او معترف بودند، به پرسش‌ها پاسخ می‌گفت و در بحث‌ها شرکت می‌جست.

به همین دلیل، موضوع بسیاری از احتجاجات آن حضرت و نیز احادیثی که از ایشان روایت شده، مسائل کلامی است و آنچه امام در این باره فرموده، هم اساس **اعتقادات شیعه** را تشکیل می‌دهد و هم در دیدگاه‌های کلامی مسلمانان اثر جدی داشته است.

← **روشن‌گری درباره انحرافات**

روشن‌گری نسبت به اشتباهات و انحرافات فقهی و کلامی و تفسیری و تاریخی و اخلاقی که یا وابستگان حکومت اموی آن را پدید آورده بودند و یا از عدم اتصال به سنت نبوی ناشی می‌شد.

بنا بر این، بیشتر مطالب امام علیه‌السلام به ابوابی از علوم اسلامی اختصاص یافته که در **جامعه اسلامی** به صورت نادرست عرضه و به کار بسته می‌شده است.

بر همین اساس، گفته شده که شمار زیادی از روایات منقول از امام باقر علیه‌السلام، و نیز سایر امامان شیعه، در حکم **تعلیقه** یا **نقد** فقه و کلام و سایر علوم اسلامی متداول در روزگار آنان بوده است، به طوری که در موارد زیادی فهم درست بیانات این امامان بدون آگاهی از نظریات سایر مذاهب اسلامی تا حدی دشوار است.

[۱۴۶] **محمد فاضل لنکرانی**، «مصاحبه با استاد آیت الله حاج شیخ محمد فاضل»، ج ۱، ص ۱۴، نور علم، دوره ۳، ش ۶ (فروردین ۱۳۶۸).

← گشایش ابواب علمی غیرمطرح

گشایش ابوابی از معرفت دینی که حاکمان آن روز جامعه اسلامی از طرح آن‌ها جلوگیری کرده بودند و آگاهی مردم از آن‌ها سلطه نظام حاکم سیاسی را متزلزل می‌کرد.
[۱۴۷] [محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۴۱۵۴۱۶، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.](#)

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام نقل می‌کند که امویان مردم را در آموزش مبلط ایمن آزاد گذاشتند، اما فراگیری آنچه را به [شُرک](#) بر می‌گشتت منع کردند، تا اگر مردم را به کارهای شرک آمیز وادارند (ناروایی) آن را در نیابند.
به نظر می‌رسد که وجود همین تعالیم، علاوه بر بیانات صریحی که رویارویی با حکام و وابستگان آن‌ها را توصیه می‌کرده، یکی از مهمترین عوامل مقاومت روانی پیروان این [مذهب](#) در برابر جریان‌ت سیاسی حاکم بر جوامع اسلامی بوده باشد.

← پرورش دانشمندان اسلامی

گزینش و پرورش گروهی از دانشمندان اسلامی بر مبنای دیدگاه‌های امام باقر علیه‌السلام، و گسیل کردن آنان به شهرهای بزرگ اسلامی به منظور ارائه درست نظریات آن حضرت، و در نتیجه خنثی کردن تبلیغات دراز مدت امویان در معرفی [اهل بیت پیامبر](#) صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم، و نیز نفی گرایش‌های غلو آمیز برخی از پیروان اهل بیت، برخورد صریح و قاطع با غالیان و اظهار بیزاری از سران آنان، از جمله [مغیره بن سعید](#) و [بیان بن سمعان](#) (هر دو مقتول در ۱۱۹) جزو اقدامات مهم ایشان به شمار می‌رود.
[۱۴۸] [طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۲۸۲۲۳.](#)

منظرات امام باقر (علیه‌السلام)

آن حضرت برای دستیابی به هدف‌ها و نیز اجرای مقاصد دیگری که بر خود فرض می‌دید، گذشته از برپایی حلقه‌های متعدد درس عمومی و خصوصی، به مناظره با دانشمندان برجسته شهرهای اسلامی و پیشوایان فکری فزق مهم آن روزگار و عالمان سایر ادیان و برخی مدعیان راهبری معنوی مردم عنایت خاصی داشت.
همچنین از مراسم حج برای گفتگو با مسلمانان مناطق مختلف اسلامی بهره فراوان می‌برد.

← مناظرات گردآوری شده

مجلسی،

[۱۴۹] [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۳۲۸۶.](#)

[۱۵۰] [مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۴۷۳۵۹.](#)

احمد بن علی طبرسی

[۱۵۱] [احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۳۱۳۲۱، چپ محمدباقر موسوی خرسن، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.](#)

و امین

[۱۵۲] [امین، محسن، اعیان الشیعه، ج ۱، ص ۶۴۷.](#)

شماری از مناظرات آن حضرت را گرد آورده‌اند.

← مناظرات مشهور

در میان [مناظرات امام باقر](#) علیه‌السلام از مناظره با پیشوای [مسیحیان شام](#)، [قتاده بن دعامه](#) (فقیه بزرگ بصره)، بزرگان [کیسانیه](#)، [عمر بن ذر قاضی](#)، [نافع مولی ابن عمر](#) و مهم‌ترین راوی سخنان وی،

[۱۵۳] [محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.](#)

[۱۵۴] [ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۹۵.](#)

[طووس الیمانی](#) و [محمد بن منکدر](#) از [زهد](#) و تارکین دنیا، ابوحنیفه یکی از [انمه اهل سنت](#) و [عبدالله بن نافع ازرق](#) از مدافعان تفکر خوارج می‌توان نام برد.

← بررسی مناظره با نافع

اما مناظره‌ای که مفید

[۱۵۵] [مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۶۴۱۶۵.](#)

به آن حضرت نسبت داده، قابل تأمل است.

این مناظره ظاهراً با [نافع بن ازرق](#)، رهبر [فرقه ازرقه](#) از خوارج، صورت گرفته و درباره مسئله [حکمیت](#) و [جنگ صفین](#) است و نافع در برابر اعتراض امام به روش خوارج در برخورد با امام علی علیه‌السلام و [مباح دانستن خون آن حضرت](#)، پاسخی نمی‌یابد.

مشکل این روایت که مفید آن را بدون ذکر سند نقل کرده آن است که نافع در سال ۶۵ در واقعه دولا ب (در نزدیکی اهواز) به [قتل](#) رسیده است.

[۱۵۶] [ابن اثیر، ابوالحسن، الکامل فی التاریخ، ج ۴، ص ۱۹۴.](#)

امام باقر علیه‌السلام به هنگام گفتگو با او باید کمتر از هشت سال داشته باشد و این بعید می‌نماید، زیرا اگر چنین بود، قطعاً باید در شمار [معجزات](#) امام نیز از آن یاد می‌شد و حال آن‌که منابع مختلف در این باره سخنی نگفته‌اند.

از سوی دیگر، [کلینی](#)

[۱۵۷] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰.

با ذکر سند، منظره‌های را بین امام و نافع مولى ابن عمر نقل می‌کند که بخش انتهایی آن درباره خوارج و مسئله حکمیت است. ابن نافع که ایرانی تبار است و از فقهای بزرگ مدینه به شمار می‌رود، بنا بر قول اصح در ۱۱۷ درگذشته

[۱۵۸] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۵، ص ۱۰۱.

و به گفته مجلسی

[۱۵۹] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰.

به خوارج متمایل بوده و با امام علی علیه‌السلام دشمنی می‌نموده است.

علی بن ابراهیم قمی که همین منظره را با همین سند در تفسیر خود (بنا بر نقل مجلسی

[۱۶۰] مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۶۱.

) نقل کرده قسمت اخیر آن را در باره خوارج، نیآورده است و از نافع مذکور به صورت نافع بن ازرق یاد می‌کند.

همچنین کلینی،

[۱۶۱] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۸۸.

در حدیثی دیگر با سند مشابه از شخصی به نام نافع بن ازرق نام برده است که از امام باقر علیه‌السلام در بحث **خداشناسی** سؤال کرده است.

این شخص نزد محققان **علم رجال** شناخته نیست، ولی **مامقانی** و **شوشتری** احتمال داده‌اند که او همان نافع مولى ابن عمر باشد،

[۱۶۲] تستری، محمدتقی، قاموس الرجال، ج ۹، ص ۱۸۳-۱۸۴.

چنانکه از تعبیر علی بن ابراهیم نیز چنین بر می‌آید، در هر صورت، منظره آن حضرت یا نافع مولى ابن عمر، به اشاره **هشام بن عبدالملک**، انجام گرفته است که هیچ نسبتی با رهبر ازارقه ندارد.

و نیز منظره امام باقر علیه‌السلام با عبدالله بن نافع به سند دیگری نقل شده و اتحاد آن با این منظره بسیار بعید است، به خصوص که منظره نخست در **مسجد الحرام** و منظره دوم در **مدینه** روی داده است.

مواضع و اقدامات سیاسی امام باقر (علیه‌السلام)

← جایگاه اجتماعی امام

امام باقر علیه‌السلام که بارزترین شخصیت اهل بیت و از نظر شیعیان امام پنجم بود، طبعاً از نظر سیاسی بسیاری از مردم و مخالفان حکومت اموی به او روی آوردند و به همین جهت از سوی حکومت به شدت مراقبت می‌شد.

← تقیه امام

البته به سبب وضع خاصی که بعد از **شهادت امام حسین** علیه‌السلام پدید آمد، امام باقر علیه‌السلام بیش‌تر روش **تقیه** را پیش می‌گرفت و بیش‌تر به تبیین مبانی نظری خود در قالب درس می‌پرداخت.

ازین‌رو و از آنجا که همه فعالیت‌ها و جزئیات زندگی آن حضرت در منابع تاریخی، ثبت نشده است، نمی‌توان اقدامات سیاسی چندانی از ایشان سراغ گرفت.

← مواجهه با هشام

با وجود این، چند خبر موجود نشان می‌دهد که امام باقر علیه‌السلام در مسایل سیاسی بر اسلح ملاک‌ها و مبانی خود موضع‌گیری داشته و در برخورد با مسائل اجتماعی و سیاسی، به ارشاد پیروان و گاهی سران حکومت می‌پرداخته است.

مثلاً در منابع

[۱۶۳] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۱۲۰.

[۱۶۴] ذهبی، محمد بن احمد، سیر اعلام النبلاء، ج ۴، ص ۴۰۵.

[۱۶۵] مفید، محمد بن محمد، الارشاد، ج ۲، ص ۱۶۳۱۶۴.

آمده است که هشام بن عبدالملک در موسم حج در مسجد الحرام امام باقر علیه‌السلام را دید که در حال **طواف** است و مردم بر گریش حلقه زده از او سؤال می‌کنند.

این توجه و علاقه مردم نظر او را جلب کرد، از اطرافیان نام وی را پرسید و چون گفتند که او محمد بن علی است، شگفت زده، گفت: «همان که مردم **عراق** فریفته اویند، یا «امام مردم عراق!»».

در روایتی دیگر

[۱۶۶] کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ص ۴۷۱.

آمده است که هشام (گویا بعد از همین موسم حج) امام باقر علیه‌السلام را همراه با فرزندش حضرت **صالح** علیه‌السلام به شام فرا خواند.

امام هنگام ورود به مجلس او بر همه اهل مجلس یکجا **سلام** کرد، بر خلاف رسم متعارف، خلیفه اموی را **امیر المؤمنین** خواند و بدون کسب اجازه نشست.

هشام خشمگینانه زبان به **لامت** گشود که چرا شما مردم را به امامت خود فرا می‌خوانید.

حاضران در مجلس نیز بنا بر قرار قبلی همین شیوه را به کار گرفتند.

آن‌گاه امام صریحاً از جایگاه اهل بیت پیامبر در **دین** و این‌که آنان عهده دار هدایت مردم‌اند، سخن گفت، همچنین به گذرا بودن **حکومت امویان** اشاره کرد.

هشام ابتدا او را به **زندانی** افکند، ولی بعد، ناگزیر به آزاد کردن و برگرداندن آنان به مدینه شد.

از این دو گزارش بر می‌آید که حرکت امام باقر علیه‌السلام در دعوت به سوی **امامت اهل بیت** و معرفی مقام و نقش آنان در دین و نیز نفی حقانیت خلافت اموی - که هشام از آن به

ایجاد اختلاف در میان امت تعبیر کرده است - حرکتی گسترده و غیر قابل انکار بوده و لاقلاً در بخشی از سرزمین اسلامی تأثیر جدی گذاشته بوده است.

این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که مطرح کردن **مرجعیت علمی اهل بیت** پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - که امام باقر علیه‌السلام شخصیت برجسته ایشان در آن دوره بود - در

حقیقت، به معنای تبیین جایگاه سیاسی آنان نیز بوده است و خلیفه اموی، یا امام باقر علیه‌السلام و یا دیگران، این دو را از یکدیگر جدا نمی‌دانسته‌اند.

← گزارش ابن ابی‌الحدید

در گزارش دیگری که [این ابی الحدید](#)

[\[۱۶۷\]](#) معتزلی، [این ابی الحدید](#)، شرح نهج البلاغه، ج ۱۱، ص ۴۳۴.

نقل کرده است، امام به افشاکاری کارهای امویان از ابتدا تا روزگار خود پرداخته و شیوه‌های حکام اموی را در بازداشتن مردم از گرایش به اهل بیت، ساختن [احادیث دروغین](#)، آزار رساندن به [شیعیان](#)، تخریب شخصیت امامان اهل بیت و به شهادت رساندن آن‌ها آشکار کرده است.
امام در این گفتار از تاریخ سراسر رنج و ناملایم بعد از [رحلت پیامبر](#) صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم سخن گفته، به دوره امامت [حضرت علی](#) علیه‌السلام و ضدیت‌های [معاویه](#) با آن حضرت، دوران [امام حسن](#) علیه‌السلام و خیانت مردم به او که به [صلح](#) با معاویه منجر شد، دعوت مردم [کوفه](#) از امام حسین علیه‌السلام و پیمان شکنی آن‌ها اشاره، و از روایت دروغ‌پردازی که با دریافت مال به سود امویان [حدیث‌سازی](#) کردند، و نیز آزارهای گوناگونی که بر دست حکام اموی بر پیروانشان رفته، شکوه کرده است.

← گزارشات دیگر

انتقاد صریح امام از خلیفه اموی در برخی موارد و در حضور طرفداران او (از جمله به این منبع رجوع کنید

[\[۱۶۸\]](#) زمخشری، محمود بن عمر، ربیع الأبرار و نصوص الاخبار، ج ۳، ص ۵۱۴.

)، نهی برخی شیعیان از قبول مناصب رسمی از آن‌رو که ممکن است در اقدامات نابه‌جای حاکمان ظالم شریک شوند

[\[۱۶۹\]](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۴.

و تکریم او از برادرش [زید](#)

[\[۱۷۰\]](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۱-۲۳۲.

نیز از جمله گزارش‌هایی است که در دست است.

← پرهیز از اقدام سیاسی عمومی

با این‌همه آن حضرت از هر گونه اقدام سیاسی عمومی پرهیز می‌کرد و به پیروان نزدیک خود می‌گفت که اعتماد کافی به مردم عراق ندارد.

هنگامی که [بُزید عَجَلی](#) از بسیاری شیعیان در عراق و آملگی آن‌ها برای فرمان‌برداری از امام سخن گفت، آن حضرت ضمن تأیید کثرت شیعیان عدم [اعتماد](#) خود را به آن‌ها بیان و تصریح کرد که هنوز شرط لازم برای [فداکاری](#) در راه حق را احراز نکرده‌اند.

[\[۱۷۱\]](#) حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۲۵.

← راهنمایی حاکمان اموی

به علاوه، هر جا که مصلحت امت ایجاب می‌کرد از راهنمایی حاکمان اموی نیز دریغ نداشت؛ توصیه او به [عبدالملک مروان](#) برای [ضرب سکه](#) به جای استفاده از سکه‌های رومی، در پاسخ به تهدید امپراطور روم، در برخی منابع نقل شده است.

نکته جالب توجه در این ماجرا آن است که عبدالملک نه از روی رغبت، از روی ناچاری حضرت باقر علیه‌السلام را با احترام به شام آورد و آن حضرت نیز با تأکید بر حقانیت اسلام او را راهنمایی کرد.

[\[۱۷۲\]](#) بیهقی، ابراهیم بن محمد، المحاسن و المساوی، ج ۲، ص ۲۳۲-۲۳۶.

[\[۱۷۳\]](#) دمیری، محمد بن موسی، حیاة الحیوان الکبری، ج ۱، ص ۹۰-۹۲.

امامت امام باقر(علیه‌السلام) در میان شیعیان

از منابع راجع به فرق اسلام و فرق شیعی مانند کتب‌های [علی بن اسماعیل اشعری](#)،

[\[۱۷۴\]](#) اشعری، علی بن اسماعیل، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۷-۸۸.

[سعد بن عبدالله اشعری](#)

[\[۱۷۵\]](#) اشعری، سعد بن عبدالله، کتب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۴-۷۶.

و [نوبختی](#)

[\[۱۷۶\]](#) نوبختی، حسن بن موسی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۱-۹۴.

و نیز متون حدیث و آثار کلامی [امامیه](#) بر می‌آید که در میان شیعیان نسبت به امامت حضرت باقر علیه‌السلام اختلاف اساسی وجود نداشته است و فقط گروهی اندک بعدها از امامت او برگشته و به [بتی‌یه](#) پیوسته بودند.

[\[۱۷۷\]](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۲، ص ۵۰۵.

این امر اساساً از دیدگاه شیعه به مسئله امامت ناشی می‌شود که آن را همانند [نیوت](#) منصبی الهی می‌دانند و در اثبات آن به [نصّ جلی](#)، تصریح بر [عصمت](#) و صدور [معجزه](#) و [کرامت](#) استناد می‌کنند.

بنا بر این، اکثریت مسلمانان آن روز که برای اثبات جانشینی پیامبر صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم و زعامت مسلمانان به ملاک‌هایی دیگر چون [شورا](#)، انتخاب [اهل حلّ و عقد](#) و [اجماع](#) مردم مدینه معتقد بودند، هیچ‌گاه امامت امام باقر علیه‌السلام را مگر در مقام بیان شایستگی‌های آن حضرت، مطرح نمی‌کردند.

← مخالفان امامت حضرت از شیعیان

← کیسانیه

- در میان شیعیان نیز بعد از شهادت امام حسین علیه‌السلام گروهی به نام **کیسانیه محمد بن حنفیه** را امام خواندند و سپس مدعی زنده بودن و غیبت او شدند..
- [۱۷۸] حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۴۷-۶۰، ترجمه مجتواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
- [۱۷۹] علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۰-۹۶، چپ محمد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- [۱۸۰] سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۲۵-۴۲، چپ مجتواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

← سرحوبیه

سر حوبیه نیز گروهی دیگر بودند که امامت را در فرزندان امام حسن یا امام حسین علیهما‌السلام بدون تعیین و معرفی، مستمر دانستند. این‌ها چندان نپاییدند و در **قیام زید** به او پیوستند.

- [۱۸۱] حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۸۸-۸۵، ترجمه مجتواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
- [۱۸۲] سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۱-۷۲، چپ مجتواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

← زیدیه

در این میان بیشترین افراد شیعه معتقد به امامت حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام شدند و بعد از وفات او به فرزندش امام باقر علیه‌السلام گرویدند. اما **زیدیه** که خود را پیرو زید بن علی بن الحسین می‌دانند، گذشته از این که در دو دوره متأخر بر زمان امام باقر علیه‌السلام و زید شکل گرفته‌اند (زید هرگز داعیه امامت نداشته است

[۱۸۳] **محمد بن محمد مفید، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۲، ص ۱۷۲، قم ۱۴۱۳.**

[۱۸۴] **محمدتقی تستری، قاموس الرجال، ج ۴، ص ۲۵۹-۲۷۶، قم ۱۴۱۰.**

(اساساً با دیدگاه‌های شیعه توافق ندارند.

آن‌ها به نصّ بر امامت و تصریح بر عصمت معتقد نیستند و زید را از آن‌رو که « **قیام به سیف** » کرد، امام می‌دانند.

به این ترتیب، با ملاک‌های شیعی برای امامت، فرد دیگری جز ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین به جانشینی امام چهارم معرفی نشده و هیچ‌یک از برادران او ادعای امامت نداشته است.

این اختلاف نسبت به برخی از امامان پیش آمده است.

← ولد الحسن

البته از برخی احادیث می‌توان دریافت که شماری از فرزندان **امام مجتبی** علیه‌السلام (**وُلد الحسن**) مدعی امامت و سرپرستی اهل بیت بوده و از قبول امامت حضرت باقر علیه‌السلام با آن‌که به مقام او اقرار داشته‌اند، تن می‌زده‌اند.

[۱۸۵] **محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۵۳-۳۰۵۲، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.**

[۱۸۶] **محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول، ج ۳، ص ۳۲۴، تهران ۱۳۶۳ ش.**

← احادیث اثبت امامت حضرت

برای اثبت امامت حضرت باقر علیه‌السلام، به چندین **حدیث معتبر** از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌آله‌وسلم امام‌های پیشین، خصوصاً امام سجاد علیه‌السلام، استناد شده و حتی برخی از متکلمن آن‌ها را **متواتر** خوانده‌اند.

[۱۸۷] **محمد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۱۹۴، چپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.**

در این احادیث هم به عصمت آن حضرت و هم به امامت او تصریح شده است.

[۱۸۸] **محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۰۵۳-۳۰۵۲، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.**

[۱۸۹] **علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، ج ۲، ص ۱۶۱-۱۶۲، چپ محمدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.**

[۱۹۰] **محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۲۹۲۳۳، بیروت ۱۴۰۳.**

[۱۹۱] **محمد بن حسن حر عاملی، اثبت الهداة بالفصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۲۶۱-۲۶۵، چپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.**

برخی

[۱۹۲] **علی بن حسین علم الهدی، الخیرة فی علم الکلام، ج ۱، ص ۵۰۳، احمد حسینی، قم ۱۴۱۱.**

[۱۹۳] **محمد بن حسن طوسی، تلخیص الشافی، ج ۴، ص ۱۹۳، چپ حسین بحر العلوم، قم ۱۳۹۴/۱۹۷۴.**

با توجه به این احادیث، ضمن یادآوری دیدگاه زیدیه در باره امامت و تفاوت آن با نظرگاه شیعی، امامت زید بن علی را که نصّی بر عصمت او وجود ندارد، نفی کرده‌اند.

← دلایل کلامی امامت حضرت

گذشته از نصّ بر عصمت و امامت، در کتب‌های کلامی به دانش فراوان امام باقر علیه‌السلام - که هرگز مورد رد و انکار نشد - استناد شده و بروز معجزات و کرامت‌های دیگر بر این امر خوانده شده است.

[۱۹۴] **محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۶۹۴۷۲، چپ علی اکبر غفاری، بیروت ۱۴۰۱.**

[۱۹۵] **طوسی، محمد بن حسن، لختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۵۶-۳۶۰.**

[۱۹۶] **طوسی، محمد بن حسن، لختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۳۴۸.**

- [۱۹۷] علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحق التقدیم، ج ۲، ص ۱۸۲-۱۸۵، چاپ محمدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.
- [۱۹۸] محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۳۳۲۸۶، بیروت ۱۴۰۳.
- [۱۹۹] محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۳۰۶۳۲۰، بیروت ۱۴۰۳.
- [۲۰۰] محمد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص و المعجزات، ج ۵، ص ۲۶۹-۳۲۲، چاپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتی، تهران ۱۳۵۷ ش.

آنچه اربلی

- [۲۰۱] علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّه فی معرفة الأئمة، ج ۲، ص ۳۵۱-۳۵۰، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.
- به نقل از حمیرای از ابوبصیر در شمار معجزات امام باقر علیه السلام روایت کرده و مجلسی نیز
- [۲۰۲] محمدباقر بن محمدتقی مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۶، ص ۲۶۹، بیروت ۱۴۰۳.
- به پیروی از او همین کار را انجام داده، متضمن چند اشتباه تاریخی است و به ظن قوی، راجع به امام صادق علیه السلام می‌شود.

فرق شیعه بعد از امام باقر (علیه السلام)

بعد از وفات امام باقر علیه السلام جز اکثریت پیروان او که امامت حضرت صادق علیه السلام را پذیرفتند.

← پیروان نفس زکیه

گروهی به امامت محمد بن عبدالله بن حسن معروف به **نفس زکیه** (مقتول در ۱۴۵) معتقد شدند. اینان **مرگ** یا **قتل** او را انکار و ادعا می‌کردند که وی از دیده‌ها پنهان شده و همان **مهدی** است که خروج خواهد کرد. **مغیره بن سعید** از مبلغان این نظر بود و حتی برخی او را امام بعد از حضرت باقر علیه السلام می‌دانستند که پس از او امامی نخواهد آمد تا محمد بن عبدالله بن الحسن خروج کند.

← پیروان ابومصور عجلی

- گروهی نیز به **ابومصور عجلی** پیوستند و او را جانشین امام باقر علیه السلام خواندند.
- [۲۰۳] علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۷۵-۶۸، چاپ محمد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- [۲۰۴] علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۶-۹۷، چاپ محمد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.
- [۲۰۵] حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۴-۹۶، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
- [۲۰۶] سعد بن عبدالله اشعری، کتاب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۶-۷۷، چاپ محمدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

← باقریه

برخی از نویسندگان متأخر، از جمله **بغدادی**

- [۲۰۷] عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، چاپ محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).

و شهرستانی

- [۲۰۸] محمد بن عبدالکریم شهرستانی، کتاب الملل والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
- از فرقه‌ای به نام **باقریه** یاد کرده‌اند که پس از امام باقر علیه السلام فرد دیگری را به امامت نپذیرفته‌اند. بغدادی در باره این گروه می‌نویسد که آن‌ها ابوجعفر محمد بن علی را مهدی منتظر می‌دانند و در اثبات ادعای خود به حدیث معروف جابر از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم استدلال می‌کنند.

به موجب این حدیث، که پیشتر نیز به آن اشاره شد، پیامبر به جابر خبر داده بود که محمد بن علی را خواهد دید و از او خواسته بود که سلام او را به وی برساند.

بغدادی از قول آنان نوشته است که سلام رساندن پیامبر به حضرت باقر علیه السلام دلالت بر **مهدویت** او می‌کند.

وی سپس این استدلال را رد کرده و مسلم بودن وفات امام باقر علیه السلام را نیز شاهد بر نادرستی آن ادعا دانسته است.

صفدی

- [۲۰۹] صفدی، **خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات**، ج ۴، ص ۷۷.

نیز همین مطالب را آورده است.

اما شهرستانی باقریه را معتقدان به **رجعت** حضرت باقر می‌داند و آن‌ها را از آنجا که آن حضرت را آخرین امام خوانده‌اند، با وصف «**واقفه**» (توقف کنندگان) یاد می‌کند.

با این‌همه، مهم این است که در مآخذ شیعی یا منابع متقدم ملل و نحل، فرقه‌ای به این نام ذکر نشده و معلوم نیست که این نام از کی و بر چه اساسی وارد کتب‌های ملل و نحل متأخر شده است.

رابطه امام باقر (علیه السلام) و شیعیان

شاگردان و پیروان امام باقر علیه السلام از جهت گوناگون اختلاف مرتبت داشتند.

اوضاع خاص اجتماعی - سیاسی و وجود مخالفانی با انگیزه‌های مختلف، پایداری **شیعیان** را بر اعتقاد خود دشوار کرده بود تا آنجا که برخی از آن‌ها به دستاویز موضوعی بی اهمیت، دچار دولتی شدند و از امامت آن حضرت برگشتند.

- [۲۱۰] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.

در این شرایط، آن حضرت از تربیت کسانی که ضمن پایداری بر اعتقاد شیعی بتوانند مبین و مدافع آرای شیعی در جامعه اسلامی باشند، به هیچ روی فروگذاری نمی‌کرد و به خصوص نسبت به کسانی چون **محمد بن مسلم**، **زرارة بن اعین**، **حمران بن اعین**، و **فضیل بن یسار** که از فرصت‌های مختلف برای فراگیری دانش‌های اسلامی از امام باقر علیه السلام

بهره می‌جستند و در نشر آن‌ها می‌کوشیدند، تقدیر می‌کرد و با این‌همه از آنان می‌خواست که همه آموخته‌های خود را به هر کسی نگویند و خصوصاً مراقب مأموران دستگاه خلافت باشند.

[۱۱۱] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲.

[۱۱۲] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۷۸.

[۱۱۳] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۳.

[۱۱۴] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۳.

همچنان‌که فرزندان حضرت صادق علیه‌السلام نیز از آن‌ها به نیکی یاد می‌کرد و آن‌ها را احیالکنندگان آثار پدرش می‌خواند.

[۱۱۵] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.

امام همچنین شاعرانی چون **کُمَیْت** را که با سرودن اشعار در نشر افکار **شیعه** تلاش می‌کردند، تشویق می‌کرد.

[۱۱۶] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۸-۲۰۷.

[۱۱۷] طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۴۵.

به این ترتیب بود که اقدامات و روش‌های مختلف امام باقر علیه‌السلام به شکل‌گیری مجدد جامعه شیعی انجامید.

عناوین مرتبط

• **امام علی علیه السلام** • **امام حسن علیه السلام** • **امام حسین علیه السلام** • **امام سجاد علیه السلام** • **امام صادق علیه السلام** • **امام کاظم علیه السلام** • **امام رضا علیه السلام** • **امام علی النقی علیه السلام** • **امام حسن عسکری علیه السلام** • **امام مهدی علیه السلام**

فهرست منابع

(۱) محمدحسن آقابزرگ طهرانی، الذریعه الی تصانیف الشیعه، چپ علی نقی منزوی و احمد منزوی، بیروت ۱۹۸۳/۱۴۰۳.

(۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، چپ مجد ابوالفضل ابراهیم، (مصر) ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷.

(۳) ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، بیروت ۱۳۹۹-۱۹۷۹/۲۰۱۴-۱۹۸۲.

(۴) ابن بابویه، علل الشرایع، نجف ۱۳۸۵.

(۵) ابن جوزی، صفة الصفوة، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.

(۶) ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، بیروت ۱۳۹۰/۱۹۷۱.

(۷) ابن حجر هیتمی، الصواعق المخرفة فی الرد علی اهل البدع والزندقة، چپ عبدالوهاب عبداللطیف، قاهره ۱۹۶۵/۱۳۸۵.

(۸) ابن حنبل، مسند، استانبول ۱۴۰۲/۱۹۸۲.

(۹) ابن خلکان، وفیات الاعیان و انباء ابناء الزمان، چپ محمدحی الدین عبدالحمید، قاهره ۱۹۴۹-۱۹۴۸.

(۱۰) ابن سعد، کتب الطبقات الکبیر، چپ ادوارد سخو، لیدن ۱۳۴۷-۱۳۲۱.

(۱۱) ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، چپ هاشم رسولی محلاتی، قم (۱۳۷۹).

(۱۲) ابن عساکر، ترجمة الامام زین العابدین علی بن الحسین علیه‌السلام و تلخیصها ترجمة ابنه الامام محمدالبقر علیه‌السلام من تاریخ مدینة دمشق، چپ محمدباقر محمودی، تهران ۱۴۱۳.

(۱۳) ابن عماد، شذرات الذهب فی اخبار من ذهب، بیروت ۱۳۹۹/۱۹۷۹.

(۱۴) ابن قتیبه، کتب عیون الاخبار، بیروت (بی تا).

(۱۵) ابن منظور، لسان العرب، بیروت ۱۹۵۵-۱۹۵۶.

(۱۶) ابن ندیم، کتب الفهرست، چپ رضا تجدد، تهران ۱۳۵۰ ش.

(۱۷) احمد بن عبدالله ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، بیروت ۱۳۸۷/۱۹۶۷.

(۱۸) علی بن عیسی اربلی، کشف الغمّة فی معرفة الائمة، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

(۱۹) سعد بن عبدالله اشعری، کتب المقالات و الفرق، چپ مجتهد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.

(۲۰) علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامین و اختلاف المصلین، چپ محمد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۴۰۵/۱۹۸۵.

(۲۱) محسن امین، اعیان الشیعه، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

(۲۲) محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح البخاری، استانبول ۱۹۸۱.

(۲۳) عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چپ محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).

(۲۴) احمد بن یحیی بلذری، انساب الاشراف، بیروت ۱۳۹۷/۱۹۷۷.

(۲۵) علی بن یونس بیاضی، الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم، چپ محمدباقر بهبودی، تهران ۱۳۸۴.

(۲۶) ابراهیم بن محمد بیهقی، المحاسن و المساوی، چپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره (تاریخ مقدمه ۱۳۸۰/۱۹۶۱).

(۲۷) محمدتقی تستری، قاموس الرجال، قم ۱۴۱۰.

(۲۸) محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، بیروت (بی تا).

(۲۹) محمد بن حسن حر عاملی، اثبات الهداة بالفصوص و المعجزات، چپ هاشم رسولی، ج ۵، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنّتی، تهران ۱۳۵۷ ش.

(۳۰) محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعة، چپ عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت ۱۴۰۳/۱۹۸۳.

(۳۱) محمد بن موسی دمیری، حیاة الحیوان الکبری، چپ افست قم ۱۳۶۴ ش.

(۳۲) محمد بن احمد ذهبی، سیر اعلام النبلاء، بیروت ۱۴۰۲-۱۴۰۹/۱۹۸۲-۱۹۸۸.

(۳۳) محمد بن احمد ذهبی، الکشاف فی معرفة من له رواية فی الکتب السنّه، چپ عزت علی عبد عطیه و موسی محمد علی موسی، قاهره ۱۳۹۲/۱۹۷۲.

(۳۴) محمود بن عمر زمخشری، ربیع الأبرار و نصوص الاخبار، چپ سلیم نعیمی، قم ۱۴۱۰.

(۳۵) سبط ابن جوزی، تذکرة الخواص، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

(۳۶) محمد بن عبدالکریم شهرستانی، کتب الملل و النحل، چپ افست قم ۱۳۶۴ ش.

(۳۷) خلیل بن ایبک صفدی، کتب الوافی بالوفیات، ویسباندن ۱۹۷۹-۱۹۶۲.

(۳۸) احمد بن علی طبرسی، الاحتجاج، چپ محمدباقر موسوی خراسانی، بیروت ۱۴۰۱/۱۹۸۱.

- (٣٩) فضل بن حسن طبرسي، اعلام الوري باعلام الهدى، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٣٩٩/١٩٧٩.
- (٤٠) محمد بن حسن طوسى، تلخيص الشافى، چاپ حسين بحر العلوم، قم ١٣٩٤/١٩٧٤.
- (٤١) محمد بن حسن طوسى، رجال الطوسى، نجف ١٣٨٠/١٩٦١.
- (٤٢) محمد بن حسن طوسى، مصباح المتهد، بيروت ١٤١١/١٩٩١.
- (٤٣) مرتضى عسكري، معالم المدرستين، تهران ١٤٠٥.
- (٤٤) محمد بن ابراهيم عطار، كتنب تذكرة الاولياء، چاپ نيكلسون، لينن ١٩٠٥، (تهران، بى تا).
- (٤٥) على بن حسين علم الهدى، النخيرة فى علم الكلام، احمد حسيني، قم ١٤١١.
- (٤٦) على بن محمد علوى عمرى، المجدى فى انساب الطالبين، چاپ احمد مهدوى دامغانى، قم ١٤٠٩.
- (٤٧) محمد فاضل لنكرانى، «مصلحه با استاد آيت الله حاج شيخ محمد فاضل»، نور علم، دوره ٣، ش ٦ (فروردين ١٣٦٨).
- (٤٨) نعمان بن محمد قاضى نعمان، دعائم الاسلام، چاپ آصف بن على اصغر فيضى، (قاهره) ١٩٦٥-١٩٦٣.
- (٤٩) عبلس قمى، منتهى الامال، تهران (بى تا).
- (٥٠) محمد بن عمر كشى، اختيار معرفة الرجال، (تلخيص) محمد بن حسن طوسى، چاپ حسن مصطفوى، مشهد ١٣٤٨ ش.
- (٥١) محمد بن يعقوب كلينى، الكافى، چاپ على اكبر غفارى، بيروت ١٤٠١.
- (٥٢) عبدالله مامقانى، تنقيح المقال فى علم الرجال، نجف ١٣٥٢-١٣٤٩.
- (٥٣) محمدباقر بن محمدتقى مجلسى، بحار الانوار، بيروت ١٤٠٣.
- (٥٤) محمدباقر بن محمدتقى مجلسى، مرآة العقول فى شرح اخبار آل الرسول، تهران ١٣٦٣ ش.
- (٥٥) محمد بن محمد مرتضى زبيدى، تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ عبدالستار احمد فراج (و ديگران)، كويت ١٩٨٦-١٤٠٦/١٩٦٥-١٣٨٥.
- (٥٦) على بن حسين مسعودى، مروج الذهب و معادن الجواهر، چاپ محمد محيى الدين عبدالحميد، مصر ١٩٦٥-١٣٨٥/١٩٦٤-١٣٨٤.
- (٥٧) محمد بن محمد مفيد، الارشاد فى معرفة حجج الله على العباد، قم ١٤١٣.
- (٥٨) احمد بن على نجاشى، فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشى، چاپ موسى شبيرى زنجانى، قم ١٤٠٧.
- (٥٩) حسن بن موسى نوبختى، فرق الشيعة، ترجمه مجتهد محمدجواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
- (٦٠) على بن عثمان هجويزى، كشف المحجوب، چاپ ژوكوفسكى، تهران ١٣٥٨ ش.
- (٦١) احمد بن اسحاق يعقوبى، تاريخ يعقوبى، بيروت (بى تا)؛

پاوييس

١. ↑ مامقانى، عبدالله، تنقيح المقال فى علم الرجال، ج ١٢، ص ٤٣٢-٤٣٥.
٢. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّه فى معرفة الائمة، ج ٢، ص ٣٢٩.
٣. ↑ ابن عسكار، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام محمد الباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج ١، ص ١٤١١٤١٣.
٤. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن على، مناقب آل ابى طالب، ج ٣، ص ٣٣٨.
٥. ↑ كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، ج ١، ص ٤٦٩.
٦. ↑ سبط ابن جوزى، تذكرة الخواص، ج ١، ص ٣٠٢.
٧. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيت الاعيان، ج ٤، ص ١٧٤.
٨. ↑ يعقوبى، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبى، ج ٢، ص ٣٠٥.
٩. ↑ بلاذرى، احمد بن يحيى، انساب الاشراف، ج ٣، ص ١٤٧.
١٠. ↑ علوى، على بن محمد، المجدى فى انساب الطالبين، ج ١، ص ٢٠.
١١. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّه فى معرفة الائمة، ج ٢، ص ٣٣١.
١٢. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج ٢، ص ١٧٦.
١٣. ↑ ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٦.
١٤. ↑ مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٨.
١٥. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبير، ج ٥، ص ٣٢٠.
١٦. ↑ ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، صفة الصفة، ج ٢، ص ١٠٨.
١٧. ↑ ابن جوزى، عبدالرحمان بن على، صفة الصفة، ج ٢، ص ٣٥٩.
١٨. ↑ كلينى، محمد بن يعقوب، الكافى، ج ١، ص ٤٦٩.
١٩. ↑ اربلى، على بن عيسى، كشف الغمّه فى معرفة الائمة، ج ٢، ص ٣٢٨.
٢٠. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج ١، ص ١٥٨.
٢١. ↑ مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٢٢١٩.
٢٢. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيت الاعيان، ج ٤، ص ١٧٤.
٢٣. ↑ حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج ٢، ص ٧٢.
٢٤. ↑ ذهبى، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠١.
٢٥. ↑ صفدى، خليل بن ابيك، الوافى بالوفيت، ج ٤، ص ٧٧.
٢٦. ↑ طوسى، محمد بن حسن، مصباح المتهد، ج ١، ص ٨٠١.
٢٧. ↑ طبرسي، فضل بن حسن، اعلام الوري باعلام الهدى، ج ١، ص ٤٩٨.
٢٨. ↑ مجلسى، محمدباقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢١٩ ٢١٢.
٢٩. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ٦٤٥.
٣٠. ↑ قمى، عبلس، منتهى الامال، ج ٢، ص ٩٦.
٣١. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيت الاعيان، ج ٤، ص ١٧٤.
٣٢. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبير، ج ٥، ص ٣٢٤.
٣٣. ↑ ابن اثير، ابوالحسن، الكامل فى التاريخ، ج ٥، ص ١٨٠.
٣٤. ↑ حنبلى، ابن عماد، شذرات الذهب فى اخبار من ذهب، ج ٢، ص ٧٢.

٣٥. ↑ زهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠١.
٣٦. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٢١٩.
٣٧. ↑ يعقوبي، احمد بن اسحاق، تاريخ يعقوبي، ج٢، ص٣٢٠.
٣٨. ↑ حنبلي، ابن عماد، شذرات الذهب في اخبار من ذهب، ج٢، ص٧٢.
٣٩. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٢١٩.
٤٠. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٥.
٤١. ↑ قمى، عيسى، منتهى الامال، ج٢، ص١٣٥.
٤٢. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٤٣. ↑ صفدي، خليل بن ايوب، الوافي بالوفيات، ج٤، ص٧٧.
٤٤. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيات الاعيان، ج٣، ص٢٧٨.
٤٥. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج١، ص٤٧٢.
٤٦. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٧.
٤٧. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٧.
٤٨. ↑ قمى، عيسى، منتهى الامال، ج٢، ص١٣٥.
٤٩. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، ج٣، ص٣٤٠.
٥٠. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢١٦.
٥١. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٥.
٥٢. ↑ مسعودي، علي بن حسين، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج٣، ص٢٣٢.
٥٣. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج١، ص٤٧١٤٧٢.
٥٤. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٠٦٣٢٠.
٥٥. ↑ بيهقي، ابراهيم بن محمد، المحاسن و المساوي، ج٢، ص٢٣٢-٢٣٦.
٥٦. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين علي بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام محمد الباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٢٧-١٢٨.
٥٧. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٠.
٥٨. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، ج٤، ص٢١٠.
٥٩. ↑ اربلي، علي بن عيسى، كشف الغمّة في معرفة الائمة، ج٢، ص٣٣٠.
٦٠. ↑ علوي، علي بن محمد، المجدي في انساب الطالبين، ج١، ص٩٤.
٦١. ↑ علوي، علي بن محمد، المجدي في انساب الطالبين، ج١، ص٩٤.
٦٢. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، ج٣، ص٣٣٩.
٦٣. ↑ مفيد، محمد بن محمد الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦١.
٦٤. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج٦، ص٢٨٠، چاپ على اكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٦٥. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج٦، ص٤٤٦، چاپ على اكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٦٦. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج٦، ص٤٤٨، چاپ على اكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٦٧. ↑ زهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٦٨. ↑ محمد بن محمد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦٢، قم ١٤١٣.
٦٩. ↑ محمدياقر بن محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٤، بيروت ١٤٠٣.
٧٠. ↑ محمدياقر بن محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٠٢٩١، بيروت ١٤٠٣.
٧١. ↑ محمدياقر بن محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٨٨، بيروت ١٤٠٣.
٧٢. ↑ محمدياقر بن محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٠٣، بيروت ١٤٠٣.
٧٣. ↑ ابن قتيبة، كتاب عيون الاخبار، ج٢، ص٢٠٨، بيروت (بي تا).
٧٤. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج٣، ص١٨٠، بيروت ١٣٨٧/١٩٦٧.
٧٥. ↑ محمد بن ابراهيم عطار، كتاب تذكرة الاولياء، ج٢، ص٣٣٩، چاپ نيكلسون، لين ١٩٠٥، (تهران، بي تا).
٧٦. ↑ علي بن عثمان هجويري، كشف المحجوب، ج١، ص٩٢-٩٣، چاپ ژوكوفسكي، تهران ١٣٥٨ ش.
٧٧. ↑ ابن حجر هيثمي، الصواعق المخرفة في الرد على اهل البدع و الزنقة، ج١، ص٢٠١، چاپ عبدالوهاب عبداللطيف، قاهره ١٣٨٥/١٩٦٥.
٧٨. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج٢، ص٤٩٩، چاپ على اكبر غفاري، بيروت ١٤٠١.
٧٩. ↑ محمدياقر بن محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٧، بيروت ١٤٠٣.
٨٠. ↑ علي بن عيسى اربلي، كشف الغمّة في معرفة الائمة، ج٢، ص٣٢٩، بيروت ١٩٨١/١٤٠١.
٨١. ↑ محمدياقر بن محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٩٩٣٠، بيروت ١٤٠٣.
٨٢. ↑ ابن عساکر، ترجمة الامام زين العابدين علي بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام محمد الباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٦١، چاپ محمدياقر محمودي، تهران ١٤١٣.
٨٣. ↑ ابن قتيبة، كتاب عيون الاخبار، ج٣، ص٥٧، بيروت (بي تا).
٨٤. ↑ ابن شهر آشوب، محمد بن علي، مناقب آل ابي طالب، ج٣، ص٣٣٧.
٨٥. ↑ زهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٣.
٨٦. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٣.
٨٧. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٢٠.
٨٨. ↑ ابن قتيبة، كتاب عيون الاخبار، ج١، ص٢١٢، بيروت (بي تا).
٨٩. ↑ النخيرة في علم الكلام، احمد حسيني، قم ١٤١١.
٩٠. ↑ ابن بابويه، علل الشرايع، ج١، ص٢٣٣، نجف ١٣٨٥.

٩١. ↑ النخيرة في علم الكلام، احمد حسيني، قم ١٤١١.
٩٢. ↑ حنبلي، ابن عماد، شذرات الذهب في اخبار من ذهب، ج٢، ص٧٢.
٩٣. ↑ ابن خلكان، شمس الدين، وفيت الاعيان، ج٤، ص١٧٤.
٩٤. ↑ صفدي، خليل بن ايوب، الوافي بالوفيات، ج٤، ص٧٧.
٩٥. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٩٦. ↑ مرتضى عسكري، معالم المدرستين، ج٢، ص٤٤، تهران ١٤٠٥.
٩٧. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٣.
٩٨. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
٩٩. ↑ محمد بن محمد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٥٧، قم ١٤١٣.
١٠٠. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٥، ص٢٠٨٢١٣.
١٠١. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج٣، ص١٨٦، بيروت ١٣٨٧/١٩٦٧.
١٠٢. ↑ ابن عسكرك، ترجمة الامام زين العابدين على بن الحسين عليه السلام و تليها ترجمة ابنه الامام محمد الباقر عليه السلام من تاريخ مدينة دمشق، ج١، ص١٤٢، چاپ محمدباقر محمودي، تهران ١٤١٣.
١٠٣. ↑ محمد بن محمد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٠٦، قم ١٤١٣.
١٠٤. ↑ سبط ابن جوزي، تذكرة الخواص، ج١، ص٣٠٢، بيروت ١٤٠١/١٩٨١.
١٠٥. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٤٦.
١٠٦. ↑ ابن سعد، محمد، الطبقات الكبير، ج٥، ص٣٢٤.
١٠٧. ↑ محمد بن حسن طوسي، رجال الطوسي، ج١، ص١٠٢-١٤٢، نجف ١٣٨٠/١٩٦١.
١٠٨. ↑ محمدباقر بن محمدنقى مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٤٠، بيروت ١٤٠٣.
١٠٩. ↑ علي بن عيسى اربلي، ج٢، ص٣٣٧، به نقل از مفيد، كشف الغمّة في معرفة الائمّة، بيروت ١٤٠١/١٩٨١.
١١٠. ↑ طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص١٦٣.
١١١. ↑ طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج١، ص٣٩١.
١١٢. ↑ مجلسي، محمدباقر، بحار الانوار، ج٤٦، ص٣٢٨.
١١٣. ↑ طوسي، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج٢، ص٥٠٧.
١١٤. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج٤، ص٤٠٢.
١١٥. ↑ محمد بن اسماعيل بخاري، صحيح البخاري، ج١، ص٦٨، استانبول ١٩٨١.
١١٦. ↑ محمد بن اسماعيل بخاري، صحيح البخاري، ج١، ص٦٩، استانبول ١٩٨١.
١١٧. ↑ دعائم الاسلام، چاپ اصف بن علي اصغر فيضي، (قاهره) ١٩٦٣-١٩٦٥.
١١٨. ↑ ابن حجر عسقلاني، لسان الميزان، ج١، ص١٠-١٢، بيروت ١٣٩٠/١٩٧١.
١١٩. ↑ محمد بن محمد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦٧، قم ١٤١٣.
١٢٠. ↑ محمدباقر بن محمدنقى مجلسي، بحار الانوار، ج٤٦، ص٢٨٨، بيروت ١٤٠٣.
١٢١. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص٧٥-١٦٠، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٢. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص٧٧-٨٠، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٣. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص٩٠، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٤. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص١٠١، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٥. ↑ ابن حنبل، مسند، ج١، ص١٠٣، استانبول ١٩٨٢/١٤٠٢.
١٢٦. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٢٢.
١٢٧. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٤٢٨.
١٢٨. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٢، ص٥٨٨.
١٢٩. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص١٤٤.
١٣٠. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص١٦٣.
١٣١. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص١٧٣.
١٣٢. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص٥١٦.
١٣٣. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٣، ص٥٦٨.
١٣٤. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٤، ص٢٢.
١٣٥. ↑ حاكم نيشابوري، محمد بن عبدالله، المستدرک على الصحيحين، ج٤، ص٣٤٥.
١٣٦. ↑ احمد بن عبدالله ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الاصفياء، ج٣، ص١٨٨، بيروت ١٣٨٧/١٩٦٧.
١٣٧. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج١، ص٦٥١.
١٣٨. ↑ محمد بن احمد ذهبي، الكشف في معرفة من له رواية في الكتب الستة، ج٣، ص٧٩-٨٠، چاپ عزت علي عيد عطيه و موسى محمد علي موسى، قاهره ١٣٩٢/١٩٧٢.
١٣٩. ↑ ابن نديم، كتاب الفهرست، ج١، ص٣٦، چاپ رضا تجدد، تهران ١٣٥٠ ش.
١٤٠. ↑ احمد بن علي نجاشي، فهرست اسماء مصنفى الشيعة المشتهر برجال النجاشي، ج١، ص١٧٠، چاپ موسى شيبيري زنجاني، قم ١٤٠٧.
١٤١. ↑ محمدحسن آقايزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج٤، ص٢٥١، چاپ علي نقى منزوى و احمد منزوى، بيروت ١٤٠٣/١٩٨٣.
١٤٢. ↑ محمدحسن آقايزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج٤، ص٣٠٣، چاپ علي نقى منزوى و احمد منزوى، بيروت ١٤٠٣/١٩٨٣.
١٤٣. ↑ محمدحسن آقايزرگ طهراني، الذريعة الى تصانيف الشيعة، ج٤، ص٣٠٣-٣٠٦، چاپ علي نقى منزوى و احمد منزوى، بيروت ١٤٠٣/١٩٨٣.
١٤٤. ↑ مرتضى عسكري، معالم المدرستين، ج٢، ص٤٤٨، تهران ١٤٠٥.
١٤٥. ↑ محمد بن محمد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج٢، ص١٦٣، قم ١٤١٣.
١٤٦. ↑ محمد فاضل لنكراني، «مصاحبه با استاد آيت الله حاج شيخ محمد فاضل»، ج١، ص١٤، نور علم، دوره ٣، ش ٦ (فروردين ١٣٦٨).

١٤٧. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ٢، ص ٤١٥٤١٦، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٤٨. ↑ طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٢٨٢٢٣.
١٤٩. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٣٣٢٨٦.
١٥٠. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٣٤٧٣٥٩.
١٥١. ↑ احمد بن علي طبرسي، الاحتجاج، ج ٢، ص ٣٣١-٣٢١، چاپ محمدياقر موسوی خرسن، بیروت ١٤٠١/١٩٨١.
١٥٢. ↑ امين، محسن، اعيان الشيعة، ج ١، ص ٤٤٧.
١٥٣. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ٨، ص ١٢٠، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٥٤. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٥، ص ٩٥.
١٥٥. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج ٢، ص ١٦٤١٦٥.
١٥٦. ↑ ابن اثير، ابوالحسن، الكامل في التاريخ، ج ٤، ص ١٩٤.
١٥٧. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٨، ص ١٢٠.
١٥٨. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٥، ص ١٠١.
١٥٩. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٨، ص ١٢٠.
١٦٠. ↑ مجلسي، محمدياقر، بحار الانوار، ج ١٠، ص ١٦١.
١٦١. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ١، ص ٨٨.
١٦٢. ↑ تستري، محمدتقي، قاموس الرجال، ج ٩، ص ١٨٣-١٨٤.
١٦٣. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ٨، ص ١٢٠.
١٦٤. ↑ ذهبي، محمد بن احمد، سير اعلام النبلاء، ج ٤، ص ٤٠٥.
١٦٥. ↑ مفيد، محمد بن محمد، الارشاد، ج ٢، ص ١٦٣١٦٤.
١٦٦. ↑ كليني، محمد بن يعقوب، الكافي، ج ١، ص ٤٧١.
١٦٧. ↑ معتزلي، ابن ابي الحديد، شرح نهج البلاغه، ج ١١، ص ٤٣٤٤.
١٦٨. ↑ زمخشري، محمود بن عمر، ربيع الأبرار و نصوص الاخبار، ج ٣، ص ٥١٤.
١٦٩. ↑ طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٠٤.
١٧٠. ↑ طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٢٣٢-٢٣١.
١٧١. ↑ حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة، ج ٣، ص ٤٢٥.
١٧٢. ↑ بيهقي، ابراهيم بن محمد، المحاسن و المساوي، ج ٢، ص ٢٣٢-٢٣٦.
١٧٣. ↑ دميري، محمد بن موسى، حياة الحيوان الكبرى، ج ١، ص ٩٢-٩٠.
١٧٤. ↑ اشعري، علي بن اسماعيل، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ج ١، ص ٨٨-٩٧.
١٧٥. ↑ اشعري، سعد بن عبدالله، كتب المقالات و الفرق، ج ١، ص ٧٤-٧٦.
١٧٦. ↑ نوبختي، حسن بن موسى، فرق الشيعة، ج ١، ص ٩٤-٩١.
١٧٧. ↑ طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ٢، ص ٥٠٥.
١٧٨. ↑ حسن بن موسى نوبختي، فرق الشيعة، ج ١، ص ٤٠٧-٤٠٦، ترجمه مجتواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٧٩. ↑ علي بن اسماعيل اشعري، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ج ١، ص ٩٠-٩٦، چاپ محمد محي الدين عبدالحميد، (بی جا) ١٩٨٥/١٤٠٥.
١٨٠. ↑ سعد بن عبدالله اشعري، كتب المقالات و الفرق، ج ١، ص ٢٥-٤٤، چاپ مجتواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨١. ↑ حسن بن موسى نوبختي، فرق الشيعة، ج ١، ص ٨٨٨٥، ترجمه مجتواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨٢. ↑ سعد بن عبدالله اشعري، كتب المقالات و الفرق، ج ١، ص ٧٢-٧١، چاپ مجتواد مشكور، تهران ١٣٦١ ش.
١٨٣. ↑ محمد بن محمد مفيد، الارشاد في معرفة حجج الله على العباد، ج ٢، ص ١٧٢، قم ١٤١٣.
١٨٤. ↑ محمدتقي تستري، قاموس الرجال، ج ٤، ص ٢٥٩-٢٧٦، قم ١٤١٠.
١٨٥. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٣٠٥٣٠٦، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٨٦. ↑ محمدياقر بن محمدتقي مجلسي، مرآة العقول في شرح اخبار آل الرسول، ج ٣، ص ٣٢٢، تهران ١٣٦٣ ش.
١٨٧. ↑ محمد بن حسن طوسی، تلخيص الشافي، ج ٤، ص ١٩٤، چاپ حسين بحر العلوم، قم ١٣٩٤/١٩٧٤.
١٨٨. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٣٠٥٣٠٦، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٨٩. ↑ علي بن يونس بياضي، الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، ج ٢، ص ١٦١-١٦٢، چاپ محمدياقر بهبودي، تهران ١٣٨٤.
١٩٠. ↑ محمدياقر بن محمدتقي مجلسي، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٢٩٢٣٣، بیروت ١٤٠٣.
١٩١. ↑ محمد بن حسن حر عاملي، اثبت الهداة بالفصوص و المعجزات، ج ٥، ص ٢٦١-٢٦٥، چاپ هاشم رسولي، ج ٥، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتي، تهران ١٣٥٧ ش.
١٩٢. ↑ علي بن حسين علم الهدى، الخيرة في علم الكلام، ج ١، ص ٥٠٣، احمد حسيني، قم ١٤١١.
١٩٣. ↑ محمد بن حسن طوسی، تلخيص الشافي، ج ٤، ص ١٩٣، چاپ حسين بحر العلوم، قم ١٣٩٤/١٩٧٤.
١٩٤. ↑ محمد بن يعقوب كليني، الكافي، ج ١، ص ٤٦٩٤٧٢، چاپ علی اکبر غفاری، بیروت ١٤٠١.
١٩٥. ↑ طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٣٥٦-٣٦٠.
١٩٦. ↑ طوسی، محمد بن حسن، اختيار معرفة الرجال، ج ١، ص ٣٤٨.
١٩٧. ↑ علي بن يونس بياضي، الصراط المستقيم الى مستحقى التقديم، ج ٢، ص ١٨٥-١٨٢، چاپ محمدياقر بهبودي، تهران ١٣٨٤.
١٩٨. ↑ محمدياقر بن محمدتقي مجلسي، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٣٣٢٨٦، بیروت ١٤٠٣.
١٩٩. ↑ محمدياقر بن محمدتقي مجلسي، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٣٠٦٣٢٠، بیروت ١٤٠٣.
٢٠٠. ↑ محمد بن حسن حر عاملي، اثبت الهداة بالفصوص و المعجزات، ج ٥، ص ٢٦٩-٢٢٢، چاپ هاشم رسولي، ج ٥، با شرح و ترجمه فارسی احمد جنتي، تهران ١٣٥٧ ش.
٢٠١. ↑ علي بن عيسى ارزبلي، كشف الغم في معرفة الائمة، ج ٢، ص ٣٥٠٣٥١، بیروت ١٤٠١/١٩٨١.
٢٠٢. ↑ محمدياقر بن محمدتقي مجلسي، بحار الانوار، ج ٤٦، ص ٢٦٩، بیروت ١٤٠٣.
٢٠٣. ↑ علي بن اسماعيل اشعري، مقالات الاسلاميين و اختلاف المصلين، ج ١، ص ٦٨-٧٥، چاپ محمد محي الدين عبدالحميد، (بی جا) ١٩٨٥/١٤٠٥.

۲۰۴. [↑](#) علی بن اسماعیل اشعری، مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلین، ج ۱، ص ۹۶-۹۷، چاپ محمد محی الدین عبدالحمید، (بی جا) ۱۹۸۵/۱۴۰۵.
۲۰۵. [↑](#) حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ج ۱، ص ۹۴-۹۶، ترجمه محمدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۰۶. [↑](#) سعد بن عبدالله اشعری، کتب المقالات و الفرق، ج ۱، ص ۷۶-۷۷، چاپ محمدجواد مشکور، تهران ۱۳۶۱ ش.
۲۰۷. [↑](#) عبدالقاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، ج ۱، ص ۵۹-۶۰، چاپ محمد محی الدین عبدالحمید، بیروت (بی تا).
۲۰۸. [↑](#) محمد بن عبدالکریم شهرستانی، کتب المال والنحل، ج ۱، ص ۱۴۷، چاپ افست قم ۱۳۶۴ ش.
۲۰۹. [↑](#) صفدی، خلیل بن ابیک، الوافی بالوفیات، ج ۴، ص ۷۷.
۲۱۰. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۳۷-۲۳۸.
۲۱۱. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۶۲.
۲۱۲. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۷۸.
۲۱۳. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۹۳.
۲۱۴. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۱۳.
۲۱۵. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۷.
۲۱۶. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۲۱۷. [↑](#) طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، ج ۱، ص ۲۴۵.

منبع

[دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دائرة المعارف اسلامی، برگرفته از مقاله «امام باقر علیه السلام»، شماره ۲۷۴.](#)
[آثار اسلامی مکه و مدینه، ص ۳۳۷-۳۳۸، رسول جعفریان.](#)

رده‌های این صفحه: [امام باقر](#) | [امامت امام باقر](#) | [تاریخ معصومان](#) | [سیره امام باقر](#) | [سیره سیاسی امامان شیعه](#) | [شهادت امام باقر](#)